

# آواز دملی

نشریه رادیو تلویزیون ملی افغانستان

شماره دوم سال ۱۳۹۰ خورشیدی

سرمقاله

رویداد های فرهنگی

د افغانستان د ملی رادیو تلویزیون تاریخچه

مدیریت و رسانه ها

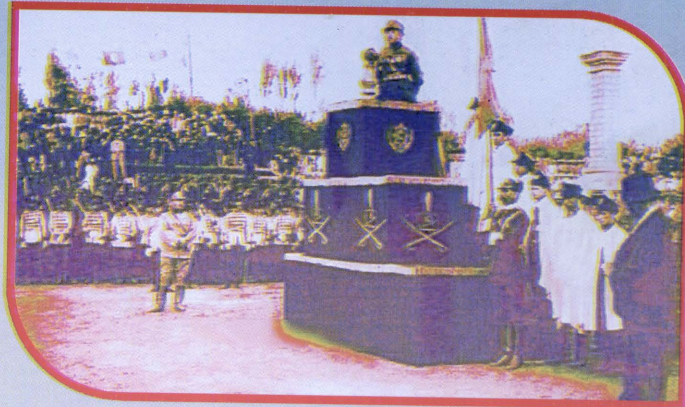
نگاهی گذرا در سیر سینمای افغانستان

خبری گزارشونه

شناسایی کارمندان موفق

رحمان بابا

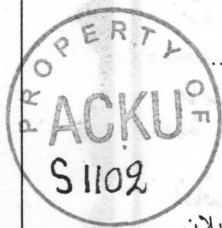
گفتگو با ولی حجازی





## ددي گڼې په پانوکي

- ✦ مقدمه ...
- ✦ رویداد های فرهنگی ...
- ✦ د افغانستان دلمی رادیو تلویزیون تاریخچه...
- ✦ مدیریت و رسانه ها ...
- ✦ دانخوری هنر زیرونیکی انسان...
- ✦ نگاهی گذرا در سیر سینمای افغانستان...
- ✦ خبری گزارشونه ...
- ✦ شناسایی کارمندان موفق ...
- ✦ رحمان بابا خلاند ستوري ...
- ✦ په سینما، تیاتر او تلویزیون کې دکریم ونده...
- ✦ صفحه شعر ...
- ✦ گفت وگو باولی حجازی...
- ✦ دغزچینه...
- ✦ رادیو تلویزیون کندز...
- ✦ داستان کوتاه...
- ✦ درادیو تلویزیون نشراتی پلان...



# بیتالی

صاحب امتیاز: رادیو تلویزیون ملی افغانستان

مدیرمسوول: لمیه احمدزی

گرافیک و دیزاین: غلام مصطفی حمیدی

کمپیوتر: فاطمه هاشمی

نشانې: وزیر محمد اکبر خان سرک ۱۳

ریاست رادیو تلویزیون ملی افغانستان

تلفون: ۲۱۰۳۱۶۴

تیراژ: ۷۰۰

ایمیل آدرس: [awazrta@yahoo.com](mailto:awazrta@yahoo.com)

آواز در ویرایش و کوتاه کردن نوشته ها آزاد است.

شرح پشته: یاسمین یارمل هنر پیشه

چاپ: مطبعه آزادی (دولتی)

# سرمقاله



نود و دو سال قبل ملت ما شاید یک پیروزی عظیم کردید، که در تاریخ پرافتخار و تابناک کشور ما فصل جدید را کشود. این پیروزی عظیم نتیجه مبارزات دلیرانه، مردم شجاع افغانستان بود که در جبهات مختلف در مقابل دشمن به عمل آوردند. در حالیکه ما این روز سترگ را جشن میگیریم یکبار دیگر باده یاد آوردن روزهای که جوانان در میدان نبرد با ریختن خون و فدا کردن جان های خویش، در راه حفاظت از کشور و حصول پیروزی دلیرانه تلاش کردند و ما از فداکاری و از خودگذری آنان با تسنیت و حق شناسی یادآوری مینمایم. امروز حرفه کشور حق دارد با تجلیل از مردانگی های نیاکان غیور خویش ساگر دود و دودین روز استرداد استقلال کشور خوشتر تجلیل نماید و خود را در سرت و خوشی های بھگانی سیم بداند.

حیثیت رهبری و کارمندان رادیو تلویزیون ملی افغانستان فرارسیدن نود و دوین جشن استرداد و استقلال کشور را همیمان به همه هموطنان و خواننده گان مجدداً آواز تریک عرض داشته، روح همه شهدا و غازیان جهاد استرداد استقلال کشور عزیز را شاد می خوانیم، امید داریم خداوند بزرگ ما را توفیق عنایت فرماید تا همانند پدران غیور و باشاهمت خویش در راه انجام وظایف خود کامیابی حاصل نموده باعث آن گردیم که نسل های آینده از ما قدر دانی کنند و عامل خدمت برای کشور در راه ایفای وظایف خویش گردیم.

## رویداد های فرهنگی

# بزرگترین نسخه خطی قرآن کریم در افغانستان



بزرگترین قرآن دست نویس در افغانستان پس از چهار سال و هشت ماه خوشنویسی شد.

این نسخه خطی قرآن کریم با رنگ طلایی بر کاغذ های زینتی نگاشته شده است و هر برگ آن دو متر و سی سانتی طول و یک متر و پنجاه سانتی عرض دارد.

خوشنویس این نسخه خطی، محمد صابر یاقوت حسینی باشنده دره ترکمن ولسوالی سرخ پارسا ولایت پروان است.

وی پیش از این نیز یک نسخه کوچک قرآن کریم را خوشنویسی کرده است.

داکتر سید مخدوم رهین وزیر اطلاعات و فرهنگ پس از دیدن این نسخه خطی در بنیاد ناصر خسرو بلخی، اظهار داشتند که نوشتن این قرآن یکی از افتخارات

ارزنده کشور است.

گردد. داکتر سید مخدوم رهین، وزیر اطلاعات و فرهنگ هنگام افتتاح نشرات گفت: به همکاری رییس عمومی و کارکنان رادیو افغانستان برنامه های زبان خارجی مجدداً احیا شد و در مرحله اول برنامه های به زبان انگلیسی و اردو و سپس، برنامه های عربی و روسی و به تعقیب آن نشر برنامه های زبان های فرانسوی و آلمانی در رادیو افغانستان احیا میشود. به گفته داکتر رهین، احیای این برنامه ها را بدون تردید در شناسایی مزید افغانستان به دوستان بیرونی و همچنان آگاهی ملت ها از رویداد های سرزمین ما نقش عمده خواهد داشت. عبدالغنی مدقق رییس نشرات رادیو افغانستان گفت: این برنامه ها ساحات آسیا- آفریقا و اروپا را تحت پوشش قرار میدهد. به گفته وی، برنامه های خارجی رادیو افغانستان بعد از وقفه ده ساله و بازسازی موج کوتاه در ساحه بکه توت روی موج ۹۳ اف ام ... ۶۱۰۰ کیلو هرتز نشر میگردد، در مراسم افتتاح نشرات خارجی رادیو افغانستان، پوهنمل غلام نبی فراهی، دین محمد مبارز راشدی، معینان وزارت اطلاعات و فرهنگ، زرین انخور رییس عمومی رادیو تلویزیون ملی و بعضی از مسوولان رادیو تلویزیون ملی اشتراک داشتند. شمس راد، یکتن از کارمندان سابقه دار و مسوول نشرات خارجی گفت: افغانستان اولین کشور در منطقه بود که در آن زمان نشرات رادیویی داشت.

## آغاز نشرات خارجی رادیو افغانستان

دوکتور سید مخدوم رهین، وزیر اطلاعات و فرهنگ عصر شنبه ۸ اسد نشرات خارجی رادیو افغانستان را افتتاح کرد. این بخش در گام نخست شامل نشر برنامه ها به زبان انگلیسی و اردو می باشد. که هر شب از ساعت هشت الی ۹ شب از طریق رادیو افغانستان نشر می



## ارج گذاری

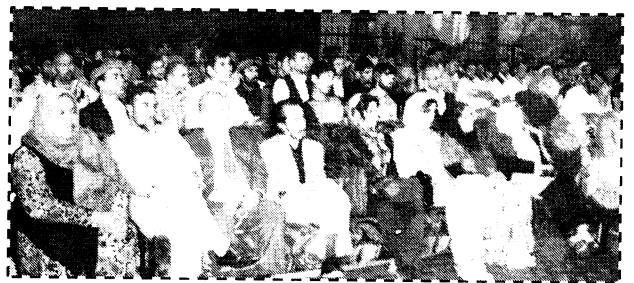
هیئت رهبری رادیو تلویزیون ملی افغانستان به شخصیت های هنری، ادبی و عرفانی کشور که حیات اند، ارج و حرمت میگذارد تا قطر هه از دریا به مقام عالی آنان بوده و خدمتی را به انجام رسانیده باشد.

چندی پیش از شخصیت ادبی و شاعر فر هیخته و مستعد کشور استاد نصراله حافظ محفل باشکوه، ادبی باجمع از شاعران و نویسندگان برگزار گردید. و اکنون از شاعر عرفانی،

عارف روشن ضمیر و مردمستغنی استاد حیدری وجودی یادبود به عمل آمد.

مجلس از سوی جاویدفرهاد، نویسنده و شاعری موفق گرداننده گی می شد و القابی را که از سوی انجمن های ادبی و عرفانی به استاد حیدری وجودی چون: نجم العرفا و چراغدار مولانا عطا گردیده بود، اعلان کرد. در مجلس تعدادی از شعرا و نویسندگان سخنانی پیرامون شخصیت و کارهای ادبی استاد داشتند، اظهار نمودند. در اخیر تحایف

به وسیله محترم مبارز رشیدی معین نشراتی وزارت اطلاعات و فرهنگ و محترم محمد زرین انخوری رییس عمومی رادیو تلویزیون ملی به آقای وجودی تفویض گردید.



## د آشنا تلویزیون دخپرونو ترون دپنخو کلو نو لپاره وغول شو



د افغانستان دملي تلویزیون له لاري دامريکا غبرد آشنا تلویزیون دخپرونو د نوي کولو ترون داطلاعاتو او فرهنگ د وزیر داکتر سيد مخدوم رهين په وړاندې د ملي راديو تلویزیون د لوی رئیس اود امریکا د متحده ایالاتو سفارت ددپیلو ماسی د اریکو درنيس له خوا لاسلیک شو. د ملي راديو تلویزیون لوی رئیس محمد زرین انخور د آشنا تلویزیون دپروگرامونو د خپرېدو د دوام ترون د لاسلیک کولو په وخت کې وویل: پنځه کاله مخکې په همدې مقصد یو ترون د ملي تلویزیون اود آشنا تلویزیون ترمنځ لاسلیک شوی و، او مور بیا د دغه ترون دوام شا هدان یو، د دغه ترون له مخې تر را تلو نکو پنځو کلو نو پوری هره ورځ د مازیگر یوساعت د آشنا تلویزیون پروگرامونه د ملي تلویزیون له لاری خپرېږي. دغه راز د امریکا د متحده ایالاتو سفارت ددپیلو ماسی د عامه اریکو رئیس دامريکا غبر آشنا تلویزیون دخپرونو له امله چې د ملي تلویزیون له لاری په ښه ډول خپرېږي، خوښي څرگنده کړه او ویی ویل: زموږ هدف د بیان د آزادی اودرسنیو د آزادی روا جول دي، او هلې ځلې کوو چې په دی برخه کې خپلې همکارۍ پراخي کړو، دامريکا غبر آشنا تلویزیون په خپرونو کې خبرونه، تبصرې، تحلیلونه اورپوټونه شامل دي چې د ملي

تلویزیون له لاري په پښتو

اودري ژبو خپرېږي.

## رویداد های فرهنگی



محترم محمد زرین انجور رییس عمومی رادیو تلویزیون ملی افغانستان و محترم انجنیر عبدالرحمن پنجشیری آمر پلان اخیراً به دعوت انستیتوت برود کاستنگ حوزه آسیا پاسفیک و رئیس رادیو صدای ویتنام، در اجلاس سالیان میدیای آسیا اشتراک کردند. در اجلاس روی موضوعات، ایجاد بازاریابی، نوآوری در برود کاستنگ و مطبوعات جدید، دیجیتالی سازی وسایل و خلق نمودن کلتور عالی و انکشاف استعداد ها صحبت و تبادل نظر

صورت گرفته. در بحث های این جلسات، هیات افغانی سهم فعال وارزنده داشت.

## جشنواره موسیقی



دافغانستان د موسیقی سر تاج استاد محمد سر آهنگ په یاد د موسیقی جشنواره دروان کال دغبرگولي دمیاشتی په ۲۵ نیټه دافغانستان دملي رادیو تلویزیون په تالار کی د موسیقی دتولید امریت له لوري جوړه شوه. دغه جشنواره کی داطلاعاتو او فرهنگ وزیر داکتر سید مخدوم رهین، د وزارت نشراتی مرستیال مبارز راشدی. دملي رادتلویزیون لوی رییس محمدزرین انخوره کابل کی د تاجکستان هیواد سفیر، داستاد سر آهنگ زوی الطاف حسین او خینو نورو نامتو سندر غارو او د موسیقی دهنر مینه والو گډون کری وه.

په جشنواره کی داطلاعاتو او فرهنگ وزیر داکتر سید مخدوم رهین، استاد سر آهنگ دافغانستان د موسیقی د مخکښانو څخه وباله او ویی ویل چی داستاد سر آهنگ د موسیقی سبک ته باید پاملرنه وشي.

په دغه جشنواره کی داستاد سر آهنگ زوی الطاف حسین او خینو نورو سندر غارو او موسیقی غرونکو په ښکلو سندرو او موسیقی په ویلو او غږ ولوسره پای ته ورسیده.

## دجاپان هیواد استازی

دافغانستان دملي راډيو، تلویزیون لوی رییس محمد زرین انخوړ په کابل کې دجاپان د جایکا موسی دریس یوشیکا زویامادا سره دکار په دفتر کې وکتل.

په دی کتنه کې دجاپان له مرستونه دمندی په ترڅ کې دافغانستان دملي راډيو دستدیوگانو دبیار غاونی اودتلویزیون لپاره دیوی کوچنی سنډیو دجوړولو غوښتنه وشوه چې دجاپانی پلاوي لخوا مرستی ژمنه وشوه.

دجایکا موسی رییس په داسی حال کې چې دملي راډيو، تلویزیون لپاره یی دکورسونوله لاری د کاري ظرفیتونو دنورولو ژمنه وکړه، دافغانستان دملي راډيو له لاری دکرنی، پوهنی، روغتیا او اقتصادي برخو کې دجاپان متخصصینو لخوا دیوی لنډی تربیوي خپرونی دجوړولو هیله وکړه، چې دلری پرتو سیمو اوسیدونکي تری گټه واخلي. دافغانستان دملي راډيو تلویزیون لوی رییس ددغه وړاندیز هرکلی وکړ.

دبادونی وړ ده چې جاپان په ۱۹۷۷ میلادي کال کې د ۶/۳ ملیونو ډالرو او په ۲۰۰۲ میلادی کال کې ۲۵ ملیون ډالره مرسته کړی ده، چې دامهال دسمبالو سنډیوگانو په لرلو سره خانکری تخنیکي ستونزی نه لري او دوریا مرستو لری یی دوام لري.

دجایکا موسی رییس دملي راډيو تلویزیون دلوی رییس او دراديو تلویزیون دنورو مسولنیو په ملتیا دملي تلویزیون او راډيو افغانستان سنډیوگانی ولیدلی او په راتلونکي کې یی دجاپان هیواد دنورو مرستو ژمنه هم وکړه.

## اولین تياتر موزیکال

این نمایش که بیان

کننده زنده گی پر فراز و نشیب

کودکی است که در اثر جنگ ها تمام

اعضای خانواده خود را از دست میدهد.

محمد شاه پور صداقت رییس تیايرملی گفت: این تياتر موزیکال

مدت ده روز برای اطفال مکاتب و کـودکستان ها به همکاری

کشور ناروی آماده و به نمایش گذاشته شد. رییس فرهنگ و

هنر وزارت اطلاعات و فرهنگ گفت: تياتر نیاز مبرم یک جامعه می

باشد. در این تياتر که ایمل فروتن، لبلآ همدرد، حارث پروانه، میلاد

فرخ، ولی عسکرزاده و دیگران نقش بازی کرده اند به زبان های

انگلیسی و نارویزی نیز برگردانده شده است.





## ضایعه فرهنگی



با تأسف اطلاع حاصل نمودیم که محمداکبر حبیبی یکتن از کارمندان سابقه دار و موفق اداره اعلانات تلویزیون ملی در اثر مریضی که داشت، به تاریخ ۲۸ جوزاسال روان جهان فانی را وداع وبه ابدیت پیوست .

اناالله واناالیه راجعون

مرحوم محمداکبر حبیبی فرزند محمد علم در سال ۱۳۴۰ در ولایت پنجشیر تـولد و پس از سپری نمودن تحصیلات ابتدایی و عالی از لیسه انصاری فارغ شد و در سال ۱۳۶۵ در مربوطات ریاست تلویزیون افغانستان به کار آغاز نمود در سال ۱۳۷۶ به حیث مدیر ثبت (وی، پی، اس) تلویزیون، سپس به حیث کارگردان فلمهای هنری و مستند تلویزیون توظیف و در سال ۱۳۷۹ به حیث مدیر تحریرات نشرات تلویزیون، در سال ۱۳۸۰ کارگردان نشر تلویزیون، در سال ۱۳۸۶ مدیر اعلانات، در سال ۱۳۸۷ مدیر انسجام تخنیک کی نشرات، در سال ۱۳۸۹ به حیث ادیتور مدیریت اعلانات تعیین که تا آخرین لحظات زنده گی وظایف سپرده شده را با کمال صداقت انجام داده است .

ریاست عمومی رادیو تلویزیون ملی افغانستان، مدیریت عمومی مجله آواز و کارمندان، مرگی محمداکبر اضایعه جبران ناپذیر دانسته برای خانواده و دوستان مرحومی صبر جمیل و برای متوفا بهشت برین از بارگاه خداوند (ج) خواهانند .

به روز ۶ اسد سال روان انتحارگران به چندین ساختمان درترین کوت مرکز ولایت ارزگان حمله تعداد زیاد افراد را کشته و مجروح کرده اند.

احمد امید خپلواک در هنگام حمله در داخل ساختمان رادیو تلویزیون ملی آن ولایات حضور داشت که در ابتدا زخمی و سپس جان به حق تسلیم کرد. برادر وی گفته است: پیامی از برادر خود دریافت کرده است که از او خواسته است برایش دعا کند. این آخرین پیام خبرنگار بود. هئیت رهبری رادیو تلویزیون ملی افغانستان و کارمندان مجله آواز برای خانواده و دوستان مرحومی صبر جمیل و برای متوفا بهشت برین از بارگاه ایزد متعال استدعا مینماید.



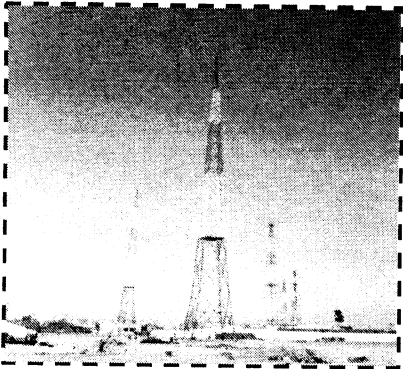
# د افغانستان د ملي راډيو تلويزيون تاريخچه

څلورمه برخه

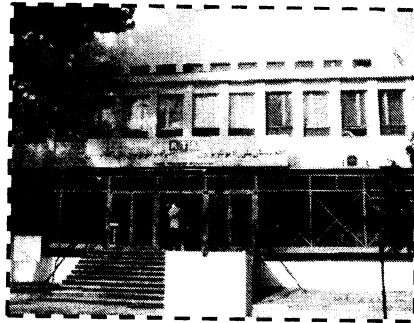
محمد زرین انخوړ

انګليسي، اردو، عربي، روسي، جرمني او فرانسوي ژبويي د افغانستان په اړه نړيوالو ته معلومات وړاندې کول. څه وخت وروسته (ريکارډر) هم وارد شو چې ټولې څېړنې به يې په (فېته) يا کسټونو کې ثبتولې او بيا به پر خپل وخت له ارزونې وروسته خپرېدلې.

له ۱۳۴۴مريز کال وروسته د لنډو څپو يو سلسل کېلو واته



او د منځنيو څپو يو سلسل کېلو واته د ستگاه هم فعالې شوې او د راډيو افغانستان د څېړونو سيمې نورې هم پراخه شوې. ۱ ورو، وروپه ولاياتو کې هم د راډيو اخذې لېږدونې د ستگاه وې نصب او فعالې شوي، د څېړونو د کيفيت په څنگ کميت هم پوره وده وکړه.



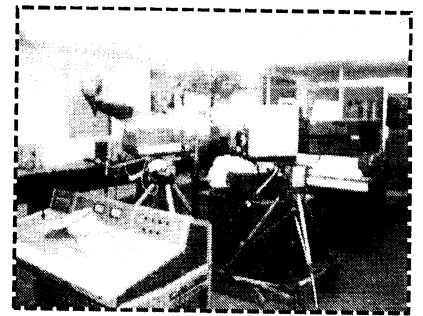
به خپرېدل. دا په راډيو يې څېړونو کې يونوې تحول و. البته په دغه وخت کې د ريکارډر (گرامافون) په وسيله هم په تيره بيا موسيقي ثبتېدل او خپرېدل.

په ۱۳۳۶مريز کال کې د لنډو څپو يوه لېږدونکي د ستگاه د جرمني د زمينس کمپنۍ له لوري په کابل کې نصب شوه چې توان يې لس کېلو واته و او په دې توګه د راډيو غږ د هيواد لېږو ولايتونو او سيمو ته هم ورسېده.

په ۱۳۳۷مريز کال کې بيا هم د لنډو څپو يوه بله د ستگاه د زمينس کمپنۍ له لوري نصب شوه چې (۵۰) کېلو واته توان يې درلود او په دې وسيله د راډيو څېړونې د افغانستان له پولو واوښتې.

په افغانستان کې په تيره بيا د بهرنيو ژبو څېړونې پيل شوې او په

په تيرو برخو کې مو (۸۵) کاله پخوا په امانې دوره کې په افغانستان کې د لومړنۍ راډيو يې د ستگاه جوړول او د څېړونو په پيل، بېرته بندېدلو او په ۱۳۲۰مريز کال کې په اساسي ډول د راډيو د څېړونو پيل او دغه راز له



د راډيو کابل څخه، په انصاري واک کې د راډيو افغانستان د نويو وادانيو سټډيو گانو پر جوړېدو مولنډې خبرې وکړې، اوس د راډيو افغانستان د څېړونو لاندې يادونه کوو او په افغانستان کې د لومړنۍ تلويزيوني د ستگاه پر فعاليدو رڼا اچوو.

په پيل کې د راډيو څېړونې بڼه خپرېدلې، وروسته داسې وسيله راوړسېدله چې (وېر ريکارډر) نومېده. پردغې وسيلې به موسيقي او نور پر کرامونه ثبتېدل او بيا

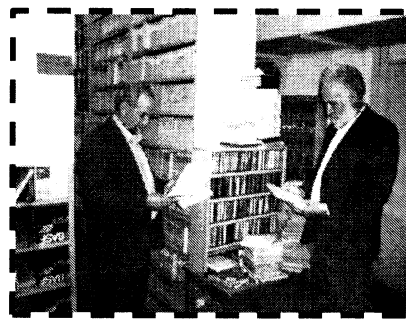
د افغانستان نوي بدلونونه اور اديويي خپروني دمحمد داودخان دجمهوريت په دوره كـــــــي راديو افغانستان (دآريانا افغانستان ملي راديو تلويزيون) په نوم په يوه لويه موسسه تبديل شو . راديو يي خپروني پراخي شوي او دتلويزيون دجوړولو لپاره هم لومړني هلي خلي پيل شوي .

په افغانستان كې دغويي له كودتا وروسته راديو يي خپروني تر دېره بريده كوندي اوسياسي موخوته استخدام شول . راديو يي خپروني هم دنوروتولو خپرونوپه څېرديو ځانگړي كوند ، نظام او ايډيالوژي په خدمت كې شول . په دغه وخت كې يوشمېر پياوړي راديو يي كادرونه يا اوژل ، ياله راديو ووتل او ياله هيواده وتلوته ارشول .

په راديو افغانستان كې دسياسي پروگرامونو تلنه درنه شوه او د بيلابيلو پروگرامونو سياسي اړخ پياوړی شو .

په دې كې شك نشته چې په همدغه وخت كې يوشمير نوي كادرونه هم راديو تلويزيون ته راغلل، دغه راز له تخنيكي پلوه هم يو لړ مثبت بدلونونه هم رامنځته شول او دې ته هم پاملرنه وشوه، خودغه هر څه دوخت دحاکمي

سياسي، نظامي فضا تراغېز لاندې و . په ۱۳۶۳ لمريز كال كې دراديو تلويزيون دنوي كمپلکس پروژه په نظر كې ونيول شوه ، په دغه پروژه كې بيلابيلي ودانې په پام كې وې، كاريي پيل شو خودوروستيو خونړيو پيښو له امله يي كار نيمگړی پاتې شو . ۲



په افغانستان كې دروسانو له وتلو او دمجاهدينو د تنظيمونو له حكومت سره سم په راديو يي او تلويزيون كې خپرونو كې كوم مثبت بدلون رامنځته نه شو . خپروني دځانگړو سياسي موخو لپاره استخدام شوي . دكورنيو جگړوپه دوران كې له بده مرغه راديو او تلويزيون ته زيات

زيانونه ورسېدل چې ددغوزيانو نوډكچي دڅرگندولو لپاره جلا څېړنوته ضرورت دی . دطالبانو دحكومت په دوران كې دتلويزيون دروازي وتړل شوي اوراديو افغانستان (دشريعت غږ) په نوم خپروني كولي .

د افغانستان اسلامي جمهوريت په منځته راتلوسره يو ځل بيا د راديو او تلويزيون خپروني احيا او دپرمختگ په لوري اوچت گامونه واخيستل چې دنوي منتخب نظام او دنړيوالي تولني په پاملرنه ممكنه شوه چې دغه برخه جلا څېړني اوارزوني ته اړتيا لري .

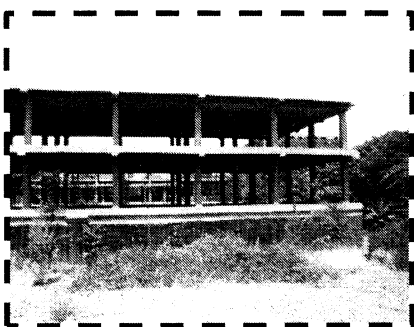
لمن ليك:

۱: تاريخچه وراپور مختصر پيرامون رشد پايه های تخنيكي راديو تلويزيون ملی افغانستان .

ترتيب كننده : محمد ياسين قاري زاده، ۱۳۸۸ مخ ۴۲۰ (تايپ شوی ياداشت).

۲: همدغه يادښتونه مخ ۶ .

نور بيا ...



# مدیریت و رسانه ها

شس راد



لحاظ فرهنگی بر حذف و یا به حاشیه اندادن فرهنگ و نظام ارزشی رقبای خود را در گسترش و سلطه قدرت خویش استوار می باشد.

بدین اساس است که مدیریت رسانه بی درکشورهای توسعه نیافته درحالت دشواری این امر قرار دارد و پویایی لازم را در تقابل به آن ندارد و به زودی سقوط می کنند. درکشور ما هم این امر محسوس است چه در افغانستان حتی از لحاظ نظری، رشته بحث در این راستا باز نگردیده است. و مدیریت رسانه ها درکشور ما تا حال مبتنی بر روش ها و تعاملات سنتی و در مورد اندکی براساس اصول مکاتب کلاسیک

رسانه ها فکر، اندیشه، تصمیم، تمایلات، ذوق سلیقه و در نهایت نهانی ترین منابع اراده و حرکت انسان را اماج پیام های از قبیل تعیین شده دسته بندی شده خویش قرار میدهد بنابراین مدیریت رسانه ها در میان سایر مدیریت ها از اهمیت و حساسیت بیشتری برخوردار می باشد.

چنانکه گفته اند: «مدیریت رسانه ها یک مدیریت دایم در حال بحران است.» چه رسانه ها بادر نظر داشت شعاع عمل و خصوصیات مناطق عملیاتی خود که بی تردید حوزه های متنوعی را از فرهنگ ها و زبان های مختلف رادبرمیگرد بادقت خاص برنامه ریزی می نماید.

بدین لحاظ عموم رسانه ها به ویژه رادیو تلویزیون در حال حاضر در یک راه دوگانه رقابت و همگرایی قرار دارند این رقابت عمدتاً "دردو، زمینه اقتصادی و فرهنگی چهره می نماید.

و درخصوص اقتصادی به علایق تجاری و درآمد زایی قرار دارند و از

در دنیای امروزی نقش رسانه ها به حیث اهرام های تأثیرگذار و دگرگون کننده، حیات انسان ها به گونه روز افزون افزایش می یابد. این امر رایشرفت های روز مراه تکنالوژی اطلاعات در عصر حاضر انکشاف بیشتری بخشیده است.

چنانکه رسانه ها امروزی بخش عمده از زنده گی و تفکر انسان ها را از طریق به کار گیری افزار ها و هنجارهای گوناگون تحت پوشش قرار می دهد.

گسترش حوزه کارکرد رسانه های مدرن، ضرورت بازننگری مدیریت و ساختار سازمانی این نهاد ها را اجتناب ناپذیر می سازد.

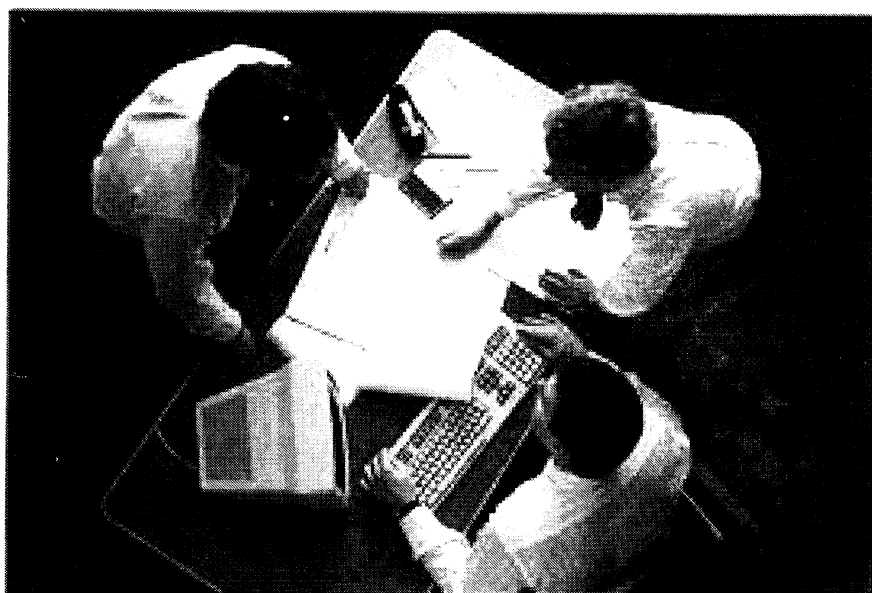
زیرا سیر شتابنده رسانه بی و پیچیده شدن وظایف و اهداف رسانه ها کارکنان این عرصه را بادگرگونی های غیرقابل پیشبینی روبرو می سازد.

بنابراین مدیریت رسانه ها با در نظر داشت بستر عملیاتی آن ها دارای ماهیت چند بعدی، و از لحاظ روش کاربرد، نهایت دشوار و پر مخاطره است.

و گذشته صورت می گیرد.

مدیریت چیست و مفهوم آن کدام است؟ مدیریت در برابر واژه انگلیسی Management قرار دارد که به معنای اداره، مدیریت و سرپرستی، به کار میرود. با توجه به معنای لغوی مدیریت، در کل مفهوم اداره، گرداننده گی، رهبری نظارت و کنترل است.

راهبرد ها است که به اساس آن علم هنر مدیریت شکل میگیرد از این رو مدیریت به کار گیری منابع انسانی و استفاده از سایر منابع مادی و ملی در چار چوب روش های تجربه و استفاده از آموزه های نظری در جهت رسیدن به مقاصد مطلوب پند داشته میشود. ۱- مدیریت انجام دادن کارها به وسیله و از طریق دیگران است.



در جهان امروز مدیریت در رأس اهرم تشکیلاتی سازمان های گوناگون قرار میگیرد. واژه مدیریت بیشتر به خاطر اداره و سازماندهی تأسیسات و نهاد هایی است که جهت اجرا و انجام وظایف متنوع برای رسیدن به اهدافی مشخص و تعیین شده طراحی میشود. طوریکه دانشمندی میگوید: « عضو حیات بخش هر سازمان مدیریت آن است.» به مفهوم جدید مدیریت عبارت از یک سلسله قواعد، هنجارها و

۲- مدیریت علم، هنر، هماهنگ نمودن، رهبری و کنترل فعالیت های دسته جمعی است که برای رسیدن به هدف و یا هدف های مشترک انجام میگیرد. ۳- مدیریت فرایندی است که به وسیله آن کوشش های فردی و گروهی به منظور نیل به هدف مشترک هماهنگ می شود. ۴- مدیریت فرایند کار گیری مؤثر و کارآمد منابع مادی و انسانی در برنامه ریزی، سازماندهی، بسیج منابع و

امکانات، هدایت و کنترل است.

۵- مدیریت از عکس العمل مخاطبان خویش تأثیر می پذیرد.

۶- مدیریت رسانه بی در داد و گرفت ارتباطی جریان فکری قرار دارد.

در اخیر به صورت مجمل و کوتاه رسانه Media را تعریف مینمایم.

« هر وسیله ای که پیامی را از یک پیام دهنده به یک پیام گیرنده انتقال بدهد رسانه است.»

ویا اینکه: « رسانه مجرای زنده، پویا و هدفداری است که پیامی را از یک پیام دهنده با الزامات یک استراتژی به پیام گیرنده منتقل میسازد که هم ادعای بیطرفی را خدشه دار سازد و هم تغییرات مطوب را در مخاطب به وجود بیاورد.»

و این تعریف در مورد رسانه های بزرگ و مدرن امروزی بیشتر سازگار است. زیرا رسانه ها اعم از رسانه های قدیمی و امروزی از لحاظ حوزه تأثیر و شعاع عمل به کارگیری فناوری و نظام نمادهای گوناگون اهداف و نمایات، چگونگی محصول و خدمات، ماهیت و وضعیت مخاطبان دارای انواع و اقسام متعدد می باشد.

مونيم د لرغونپوهني انستيتوت له خوا په ۲۰۰۱ ميلادي كال خپور شوی دی . ))  
 تر دې ورسته چې کومې ليکنې شوي دي، په جدي توگه د هو مو سپين کړني د هنر په اړه ناتوانه گني، خو هغه هنر چې د اوسني اروپا مدرن انسان يې دعوا کوي، بي له شکه له هم هاغه مهاله

ليکونکی: ( Prof. Dr.G. De Boe )  
 ژباړونکی : ر . باوري  
 (( يادونه: دا ليکنه د بلژيک هيواد لرغونپوه پروفيسور داکتر ج. دي . بوی .  
 د هغه کتاب دوهم بحث دی چې ((د تاريخي پير وړاندي ژوندون)) يا (Leven in de prehistorie) په نوم د پاتري

# د انځوريز هنر زير وونکی انسان

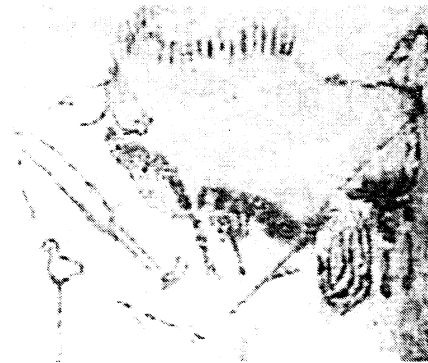
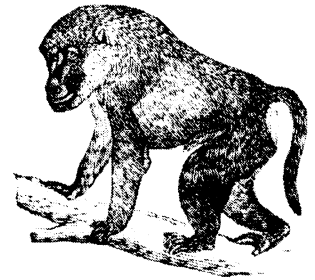
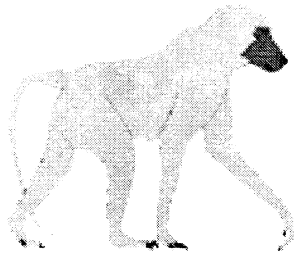
توتميزم (خان دوليز) عبادت به و، انتقام غوښتنه به وه، هغه هيله به وه چې زيات او ژر ښکار ورپه برخه شي. او يانبايي د عادي هنر لپاره به انځور شوي وي، او يا به يوه گډه او يوشان مانا د دې ټولو يادو شويو افادو څخه ولري. خو دا رښتيني خبره ده چې دا انځورونه هم پټ او يا تر مخکې لاندې او هم د مخکې پر مخ ليدل کيږي. د دې

راغلي انځورونه، لږ تر لږه د يرش زره کاله پخوا جوړ شوي دي .  
 د دې انځورونو مانا يا ناڅرگنده او يا بېخي له منځه تللي ده. ښايي مقدس حرم به و، چې هلته به يوتن قرباني وړاندې کول او په اخلاص به راغلی و، د ادابو او مناسيکو د اجرا کولو پر مهال به يې سر تيبټ کړي وي ښايي جادو، سپمانيزم (Sjamanism) يا

شول . (تر مخکې لاندې د چاووت Chauvet او کاس کو وير Casquer لاس کاسور Lascaux دور دوگنځي او په شمالي اسپانيا Dordogne کي د التمبره سيمو څخه په لاس



چي په طبيعت کي يي ليدلي ده . د بيلگي په توگه ستلاک تينن ( يا شورېدونکي دبره) ته د انځور په ټاکلي ځای کي وده يا رول ورکول چي د رنگ په توگه يي کارولي ، يا بسايي انسان څښلي او يا يي د هډوکو او مغزو لپاره د توان ورکولو په نيت خوړلي او يا يي د روښنايي لپاره د تيلو پر ځای کارولي وي .



دا انځورونه هم د وينا کولو او راپور وراندي کولويوه لاره ده.

هغه (انځورونه) چي د لاسکاوښ په نوم پيژندل شوي دي دا ټکی په گوته کوي چي دا ستر ژوي او حېوانات همدلته د تيريدو راتيريدو په حال کي وه. د دې حيواناتو د راپرځولو لپاره يي د هغه وروستي حيوان برخه ستره انځور کړي او سر يي وروکي رسم کړی دی. دا هغه حالت څرگندوي چي پر وروستي حيوان باندي د حملې حالت څرگندوي، (که يوه حيوان ته پاتي په ۴۲ مخ کي...

تراو لري، په نوموړو سيمو کي تر لاسه شوي دي . دا اثار د پخواني ډبري نوي پير يا ( Paleolithicum ) لاس ته راوړنوپه توگه منل شوي دي. هغه چي جادويي انځورونه يي جوړ کړ، بسايي يو سري به (يوکس يا يوه تن به) د ازماينت لپاره رنگونه گډ کړي وي او د رنگونو تنظيم به يي داسي کړی وي، چي يوه مخامختيا يا منظره به يي په کي را نغښتي وي او يا به يي د يوه ځانگړي روش په کارولو نوموړي منظره داسي په خوځښت راوستي وي لکه

اثارود جوړونکو موخه لا تر اوسه هم نا څرگنده ده، د دې لپاره بايد د هنر بيلا بيلو ډولونه وڅيرو او وپلټو تر څو پوه شو چي د هغو پخوانيو انځورگرانو موخه څه وه او په کومه روحيه دنوي پيروگرو هغو ته وده ورکړل .

د تخنيکي پلوه بيلا بيل ميتودونه کارول شوي دي. ښکلي حکاکي، رسامي او په هغو کي طبيعي رنگونه ( سور، زير او کيمياوي رنگونه) او په پوره مهارت نيم مخي مجسمي چي په رښتني ډول د انځوريز مسلک سره

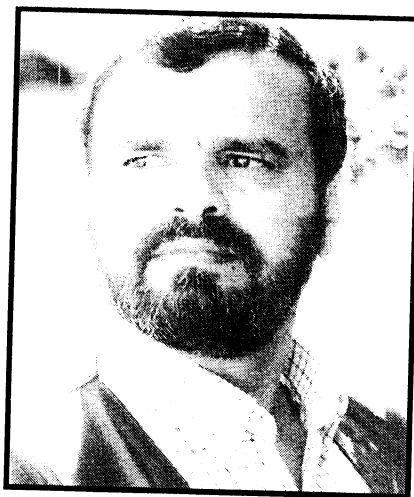
## نگاهی

## گذرا در سیر سینمای افغانستان

موسی رادمش

راکنار بگذاریم و به تعالی بی اندیشیم). در روش‌نمایی این اندیشه والادراغاز هنرپیشه گان متعهد چون: فتح اله پرند، محمد موسی رادمش، ایوب معصومی، محمدجان گورن، اکرم خرمی، احمدسیر اصیل، عارف الدین، عبدالله وطن دوست و دیگران، به حیث اعضای هیئت رهبری و ایجادگران موسسه فعالیت داشتند تا امور سینمایی را در این کانون تنظیم و رونق دهند، تا تصویرشان بیان و زبان هنری باشد که نبض آن باخواست زمان گره خورده در تپش آن از نیاز جا معه نماینده گی کند. روی این اندیشه موسسه شفق فلم نخستین اثر تولیدی خود را به نام (جنایت کاران) به دست تهیه میگیرد، که در قسمت امور تهیه و پرودیوس فلم آقای فیض محمد فیض و توریالی شفق باهم همکاری داشتند، امور فلمبرداری به

این سینماگر آگاه و روشن ضمیر، در آغازین روز افتتاح موسسه شفق فلم ابراز داشت: (دستیاب نمودن نام موسس شفق فلم اگر از سوی افتخار بزرگی است،



از جانبی رسالت سترگ نیز میباشد که بردوش ما گذاشته میشود، باید ما رهرو صادق باشیم، به ظواهر و شهرت فریبنده دل نبازیم، بل عمیق مسایل را درک و دور اندیشی کنیم، حب و بغض

پیوست به گذشته....

نهاد جدید در سینمای افغانستان تحت نام موسسه سینمایی (شفق فلم) به کوشش و تلاش توریالی شفق سینماگر آگاه که با دید و بینش گسترده در جهت رشد و بالنده گی سینمای کشور میکوشید و می‌دید. اندیشید ایجاد گر دید.

پس از آن که فلم سینمایی (غلام عشق) را که بین سالهای ۱۳۵۶-۱۳۵۷ به پایه اكمال رسانید، بعد از بر سرپاوار زیبایی هاموفق شد فلم را به نمایش بگذارد، خواست با همکاری اش نهاد مستقلی را بنیاد نهد، که گام مثمیری دیگری باشد، به سوی پیشرفت و اوج گیری سینما در یک افق وسیع ایجادگری و انکشاف، روی چنین اندیشهء سلیم و استوار، موصوف درخشان سال ۱۳۵۸ امتیاز موسسه سینمای شفق فلم را از وزارت اطلاعات و فرهنگ وقت به دست آورد.





ناهدی سرمد، نوریه، حمیده عبدالله، تور بیگی، خورشید نور، عارف الدین و... هر کدام با سعی و تلاش خود و کارگردانی به جادو قالب کرکترها به شایستگی، نیکو درخشیدند که تماشاگران با رضایت از سالون نمایش بیرون میشدند. البته در فیلم آهنگهای احمد ظاهر فقید، هنرمند محبوب کشور به هنرنمایی هنرمند موفق عارف کیهان و یارانش در چند صحنه جالب و رومانیک لبسنگ گردیده که به موفقیت فیلم افزوده بود. فیلم جنایتکاران پس از آنکه در شهر کابل و ولایات کشور جهت نمایش به مردم و علاقمندان روی پرده آمد، در آلمان هنر فلمسازی و استعداد های دست اندرکاران فیلم در کشور، با کمال قدردانی به نقد گرفته میشد، جامعه از این گونه ساختارهای سینمایی خیلی استقبال می نمودند. در آن وقت به اثر موفقیت فیلم، جنایتکاران به گونه آدابیه فستیوال (کانت) به خاطر محتوای، بازی هنرپیشه گان و صورت کاربرد تصویر و کارگردانی از مزایایی مسلکی برخوردار بود، دعوت گردید و اما بنابراین بود و پالیسی رژیم حاکم نه برای کارگردان فیلم و نه به ارسال فیلم به حیث یک ساختار سینمایی موافقه صورت گرفت. زمان برگزاری فستیوال گذشت و فیلم از شرکت در فستیوال باز ماند، خاطر تلخ آن

وسیله انجنیر لطیف احمدی به همکاری ناصر عزیز صورت گرفت. فلمنامه نویس و گارگردان توریالی شفق با همکاری احمدسیر اصیل و محمد موسی رادمنش پیش برده میشد که بعد از مرحله فلمبرداری، مراحل چاپ، لایبراتور و مونتاژان در استودیوی ریاست افغان فلم وقت، به پایه اکمال رسید و آماده نمایش شد. محتوای فیلم (جنایتکاران) در برگیرنده وضعیت ناهنجاری جامعه رابرملو نشان می دهد که چگونه حاکمیت زورور در جامعه حکمفرماست و ارزشهای انسانی پامال میگردد، محبت و دوستی حیف و میل غریب نفسانی میشود، فاجعه و جنایت به وقوع پیوسته زنده گی صدها انسان مظلوم به وسیله اغواگران با دسایس شوم به نابودی کشانیده میشود. این درد و پرنج جامعه با حوادث و صحنه آریایی های دراماتیک ناهنجاری زمان، رزمنده گسی در برابر سالاران زورور روی تصاویر یافت یافته و منعکس گردید و به نام فیلم جنایتکاران روی پرده سینما به نمایش آمد که به دلچسپی خاص تماشاگران قرار گرفت.

در نقش های عمده فلم ابراهیم طغیان، محمد جان گورن، سلام سنگی، ایوب معصومی، موسی رادمنش، احمدسیر اصیل، فتح اله پرنده، شاکر، محمد حکیم، خانم

برای کارگردان و دست اندرکاران و اعضای شفق فلم فراموش ناشدنی است.

# خبري گزارشونډ



ليکوال: نجيب نایل

۲- خبر و اوسې او د دې غوښتونکي وي چې خپل معلومات ژورنالېستانو ته ورکوي. ۳- د اړوندې سکالو او پوښتنو د ځوابولو لپاره يوه ښه زېرمه او خزانه و اوسي. ۴- که څه هم پېژندل شوي يا مشهورې خبرې تل د يوې مرکې د سر ته رسولو لپاره ښې خبرې نه وي، مگر هېره نکرې چې شهرت له مهمو خبري ارزښتونو څخه گڼل کېږي. ۵- د مرکه کوونکي يا مرکيال د غولونې يا فرېب هود او قصد ونلري. بل پراو د پوښتنو د جوړولو دی. د مرکې پوښتنې بايد د کومو ځانگړنو درلودونکي وي؟

پوښتنو د مرکې مهم اوزار يا وسيلې دي، نو بايد په هوبسيارۍ سره دې جوړې شي. د ښې پوښتنې له ځانگړنو څخه دا دي چې لنډه، ساده او څرگنده يا روښانه وي. د پوښتنې د جوړېدلو جريان د دوو بنسټيزو چورليخونو (محورونو) پر بنسټ رامنځته کېږي: منځپانگه (محتوا) او شکل؛ د پوښتنو منځپانگه د مرکې پر سکالو ستاسې واک او ستاسې هغه لټه چې د معلوماتو د لاسته راوړلو لپاره يې د مرکې تر پيل وړاندې سر ته رسوي، ټاکي، نو ډيل (خند) مه کوئ او د مرکه کېدونکي پر لوري له تللو څخه وړاندې د پلټنې او څېړنې کار پيل کوئ.

د شکل له مخې، پوښتنې په ټوليز ډول پر دوو ډولونو وېشل کېږي، يو هغه پوښتنې دي چې د بحث او خبرو اترو پرمخېښوونکي او هڅوونکي دي او دويم هغه پوښتنې دي چې بحث او خبرې اتري ځای پر ځای ودروي. په بل عبارت سره: - پرانېستي پوښتنې - Open Ended Questions - ترلې پوښتنې - Closed Questions پرانېستي پوښتنې د خبرو اترو يا يوه بحث زرغون يا شين څراغ Light Green دی او په دوديز ډول (معمولا) له شپږو خبرو توکو څخه يې درې په جوړولو کې نخچ لري؛ څه؟ يا What، ولې؟ Why او څنگه يا څه ډول؟

How

- څه لامل و چې هود مو ونيو، د جمهوري رياست په ټاکنو کې گډون وکړئ؟ - وروسته څه وشول؟ - ولـــــــي؟ - کله چې له تاسې څخه وغوښتل شول چې په دې فلم کې ولوبېږئ، ولې مو هغوی ته د رد يا منفي ځواب ورکړ؟ - څه ډول مو له هغه سره د واده هــــود وکــــړ؟ - څنگه يا څه ډول دغه پېښه رامنځته شــــوه؟ په پرانېستو پوښتنو کې مرکه کېدونکې په يوه ټاکلي دايره کې بند نه ساتل کېږي او يا په بل عبارت سره، مرکه کېدونکي ته د دې اجازه ورکول کېږي چې هر څه چې يې زړه غواړي، ووايي. دغه

دول پوښتنې مرکه کېدونکې هڅوي چې ښې څرگندونې او تشرېحات وړاندې کړي. پرانېستې پوښتنې، روښانوونکې يا توضېحي او مفصل خواب غواړي. د دې اېوټه (برعکس)، تړلې پوښتنې د خبرو اترو يا يوه بحث سور څراغ Red Light دی. مرکه کېدونکې کولې شي چې په خواب کې ووايي: هو يا نه او يا لند

- ستاسې په ډله کې يې څو تنه غـــــــړي دي؟  
- آيا تاسې پر عراق د بريد د مخنيوي لپاره هم طرحه وړاندې کړې وه؟  
- تاسې متاهل ياست يا مجرد؟  
تړلې پوښتنې زيات وخت د هغو حقايقو او پېښو پر چورليځ راڅرخي چې لند خوابونه غواړي. پوښتنې داسې جوړېږي چې عملا د پای پر وروستني ټکي پای ته



خواب ورکړي. ايا د يوه کانديد په توگه د جمهوري رياست په ټاکنو کې کــــــدون کــــــوي؟  
- که په يوه فلم کې د رول لوبولو نوی وړانديز تاسې وشي، وبه يې منئ؟  
- تاسې له دې طرحې سره همغږي وي، همداسې ده؟  
رسپږي او مرکه کېدونکې غوڅ او خانگري خواب ته اړ کوي. د شکل له مخې، د پوښتنې درېيم ډول هم شتون لري چې په گړنيز ډول هغوی ته دوه مخيزي يا دوه اړخيزي پوښتنې Double-Questions Barreled وايي:

- آيا تاسې د جمهوري رياست په ټاکنو کې گډون کوئ، دي ته نه گورئ چې واک يا صلاحيت سلب شي؟  
- څه لامل شو چې هود مو وگر، په دغه فلم کې نخچ ولوبوئ، آيا ستاسې لوري وړانديز شوي بېسي يا رقم مو په سوسه کې واچولئ؟  
- وايي چې تاسې پر عراق تر بريد وړاندي پوهېدئ چې د صدام دټولوزني وسلې يوه پرو پاکندي يا تبليغاتي شخړه ده. آيا کولې مو نشول چې د جگړې د پېښېدلو مخنيوی وکړئ؟  
- داسې نه انگېرئ چې تاسې په پرېکړه کې تېروتي ياست، ايا د گناه احساس نه کوئ؟  
- آيا دغه يون (سفر) ستاسې لپاره زړه راکښونکې و، پر دې وتوانېدئ چې له هغه څخه اړينه گټه تر لاسه کړئ؟  
هغه ستونزې چې دغه ډول پوښتنې يې راوړلوي، دا دي چې د هغو په جريان کې د مرکه کېدونکي لاس يواځې د پوښتنې يوې برخې ته پرانيستی وي او مسلکي مرکه کېدونکي بيا په داسې وخت کې هڅه کوي چې د

ژورنالېستانو له چنگ و ولکې څخه ټينته کوي، (د پوښتنې هغه برخه نه خوابوي چې ورته سخته وي). دوه مخيزي يا دوه اړخيزي پوښتنې په ځينو وختونو کې د نامسلکي مرکه کېدونکيو د پرېشاني لامل هم گرځي. که چېرته د مسلکي مرکو پوښتنې تجزيه او تحليل کړئ، حتماً به دغه درېگونې ډلبندي په کې ووينئ. نو يوه ښه مرکه له تړليو، پرانېستو او دوه اړخيزو پوښتنو څخه جوړه وي چې بايد هر يو يې په هونديارۍ او په ورځای کې وکارول شي. البته د پوښتنو پوښتل پر دوو ټوليزو چورليخونو راڅرخي چې هغه کېدای شي ډلبندي يا د مرکې سبک هم ونومول شي. دغه دوه سبکونه چې تر نظر لاندې رسپږي، د خبر له کلاسيکو سبکونو څخه يې الهام اخيستی دی چې د مرکې قيف ډوله سبک Funnel Interview او د مرکې سرچپه قيف ډوله سبک Funnel — Inverted Interview يې مشهور دي.

# شناسایی کارمندان موفق



محمد اسماعیل فرحت کارمند مستعد و با تجربه رادیو تلویزیون ملی افغانستان است که از لیسه عالی ابن سینا فارغ و در سال ۱۳۵۸ به طور رسمی در مدیریت استخدام مقرر و پس از مدتی کوتاه در مدیریت ارزیابی برنامه‌ها های رادیو افغانستان تو ظیف و از سال ۱۳۶۱ الی ۱۳۷۸ به حیث مدیر عمومی بررسی و پلان و سرپرست مدیریت عمومی روزنه رادیو افغانستان و اکنون نسبت لیاقت و فهم که در اجرای کار هایی اداری دارد به حیث مدیر عمومی تحریرات ریاست عمومی رادیو تلویزیون ملی ایفای وظیفه می نماید.

آقای فرحت، مسوولیت تهیه و تنظیم پلانهای نشراتی، بررسی و نقد برنامه های رادیویی و گزیده های از لابلای نشرات رادیو را عهده دار بود. کورس های خبرنگاری و منجمنت را موفقانه سپری کرده و به دریافت تحسین نامه ها و تقدیر نامه ها نایل گردیده است. طول عمر و موفقیت برایشان آرزو داریم.

کمال الدین کمال دملي رادیو تلویزیون تکره او پخوانی کارکوونکی دننگرهار ولایت دکامی په ولسوالی کی سترکی نری ته پرانستلی دي.

کمال دکابل دانصاري له لیسی څخه فارغ شوی ، او دهغی مینی له امله چی درادیو یی خپرونوسره یی درلوده، په ۱۳۵۳ المریز کال

کی درادیو افغانستان دخپرونوپه برخه کی دپښتونستان په اداری کی مقرر او بیا دوطن غر ورپسي درادیو افغانستان په روزنه اداره کی دکرنی او مالدارۍ خپروني جوړونکي او دراپورتر دنده درلوده، دهغه استعداد له امله یی چی لري دپروگرامونو دچک او ارزونی مدیر او اطلاعاتو د اداری مرستیال په توگه دندی ترسره کړي. اوس مهال درادیو افغانستان داطلاعاتو په اداره کی دخبرجوړنکی په توگه دنده ترسره کوی.

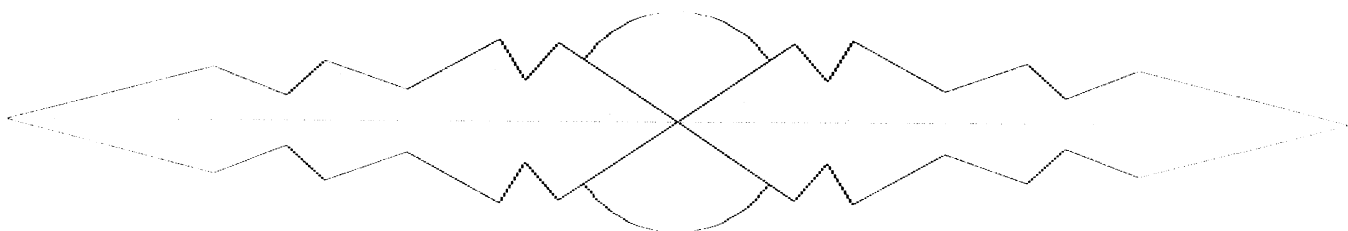
کمال الدین کمال درسمي دندی په موده کی په ژورنالستیکي کورسونوکی فعاله ونډه اخیستی. او دهغی پوهی او لورتیا له امله چی لری یی دافغانستان دملي رادیو تلویزیون د مقاماتو لخوا دیر ستاین لیکونه او افتخاري نښانونه نی ترلاسه کړي دي. بریالیتوب ورته غواړو.



گللالی عزیزپوریکی از کارمندان موفق باتجربه و فریختهء رادیو تلویزیون ملی افغانستان است. تحصیلات ابتدایه را درلیسه مریم و عالی رادرلیسه عایشه درانی به اتمام رسانیده پس ازسپری نمودن امتحان کانکوردرپوهنخی زبان و ادبیات پوهنتون کابل موفق و سپس از فراغت درادارهء هنروادبیات رادیو افغانستان مقرر و مصروف تهیه برنامهء از هرچمن سمنی شد نظر به لیاقت و استعدادیکه درنگارش مطالب ادبی دارد مسولیت نوشتن برنامه های مختلف ادبی را هم به دوش دارد. از سال ۱۳۸۱ به گوینده گی برنامه های از هرچمنی سمنی، زمزمه های شب هنگام، رادیویی مجله، پرینان، یاد نامه مردان خدا و پیام صبگهان آغاز کرده است.



گللالی عزیزپور گاه گاهی شعر هم می سراید. موفقیت برایشان آرزو داریم.



محمد اصغر جاوید دریک خانواده روشن فکر شهر کابل چشم به جهان گشود پس از طی نمودن دوران کودکی راهی مکتب و ازلیسه عالی امانی فارغ، سپس شامل پوهنخی ژورنالیزم پوهنتون کابل شد. در سال ۱۳۶۴ پس از به اتمام رسانیدن تحصیلات عالی

در رادیو افغانستان در مدیریت آسمایی غر مقرر و برنامه های جلوه گاه ذوق، ترانه های انتخابی شما و حرف خوش و آهنگ خوش را تهیه و ثبت میکرد. در سال ۱۳۶۸ در ریاست نشرات نظامی به حیث مدیر عمومی برنامه های نظامی توظیف و از بخشهای مختلف قوای مسلح کشور گزارشات را تهیه و نشر میکرد. علاقه و داشتن صدای دل پذیر و استعداد خوانش در فن گوینده گی باعث شد که از سال ۱۳۶۸ به نطایق و خوانش مطالب گوناگون و خبر در رادیو تلویزیون آغاز کند. محمد اصغر جاوید اکنون در امریت شبکه خبر مصروف کار است، به تمام قراوقصبات ولایات کشور و در اکثریت کشور های خارجی جهت تهیه و آماده سازی گزارشات سفر کرده است. خانواده مملو از صفا و صمیمیت دارد سه دختر، یک پسر دارد.



مرد با تقوا و متدین است. به مطالعه علاقمند و راز موفقیت اش را در با تقوا بودن و مطالعه میدانند پیروزی و کامگاری شان را خواهیم دید. بقیه در صفحه: ۴۳

# عبدالرحمن بابا دشعر خلانده ستوری

بشیر صمیم



رحمان بابا د پښتو شعر او ادب هغه  
خلانده او روښانه ستوری دی چې د لري  
او بري پښتونخوا خلک يې يو شان  
پېژني.

د رحمان بابا د درناوي د پاره به دا کافي  
وي چې د ټولو پښتنو له خوا ورته (بابا)  
ويل کيږي او هر کال لروبرده په وياړ  
مشاعري کوي .

رحمان بابا په خوانی کې د روښانيانو د  
مفکوري طرفدارو، مگر وروسته يې د  
تصوف او سلوک لاره غوره کړه او د  
خمکې په مخ د ((عشق)) په کړۍ کې  
وښت .

دی وايي چې ټوله نړۍ د عشق څخه  
جوړه شوی هغه د شخصیت او ملیت  
پرستی کومه دعوه نلري او خان کومي  
قبیلي ته هم نه منسوبوي.

زه عاشق يم سروکار می دی له عشقه  
نه خليل،نه داودزی،نه مومند يم  
رحمان بابا په قوم مومند د عبدالستار

شعر يې د زړه د رنځ دوا وه. کوم وخت  
چې رحمان بابا د شعر او شاعری سحر  
په مستی راغی نو ددې کلانه يې هزار  
خاني ته کوچ وکړ او هلته دېره شو. په  
دې کلي کې به دی تل د يوې ونې لاندې

زوی او په (۱۰۴۲) لمريزکال د بهادر  
په کلي کې زېږېدلی دی.  
رحمان بابا فقه او تصوف له ملا محمد  
يوسف يوسف زي څخه زده کړل او نور  
علوم يې بيا په هندوستان کې ولوستل او

ناست و او په پښتو ژبه يې خواره خواره اشعار ويل. رحمان بابا بيا همدې کلي کې په (۱۱۱۸) لمريز کال وفات او د همدې کلي په مرستون کې خاورو ته وسپارل شو.

رحمان بابا هغه په خپل ژوند کې ديوان جوړ کړی دی، ځکه هغه څو ځايه دې ټکي ته گوته نيولي ده او وايي:

درست ديوان د رحمان څار تر دا غزل شه چې بيان يې کړ کـــردار د دروېشانو ا

د عبدالرحمن بابا د شخصيت په هکله که څوک څه ويل وغواړي اړينه ده، چې بايد يې د شخصيت مترادفه پوهه ولري، په تېره بيا زمونږ د کلاسيکي دورې

شاعران اکثره نه، بلکه ټول د نړۍ مشهورې څېرې گرځېدلي دي. رحمن بابا يو متصوف او مجذوب الحاله شاعر

دی. دی د حقيقي ميني رېښتيني مجنون دی. دده کلام او ويناوې له هر اړخه حقيقت او رياليزم دی. خو فرق يې دومره

دی؛ چې عشقي رياليزم دی. دی نه د اپلاتون د عشق العذري عاشق دی او نه د لفظو لفاظي عمر خيام دی. دی يوازې او

يوازې د جماليت غلام دی. او خپل خان د جمال او عشق تحت الاثر بولي او ده خپله د عاطفي ناره داسې زمــــزمه

کړې دی .

دا جهان دی خدای له عشقه پيدا کړی دی.

د جمله و مخلوقاتو پــــلار دی دا د عبدالرحمن بابا د اشعارو مفکوره په مذهب ډډه لگولي دی. په خپلو خبرو کې

ټول ټولنيز مسايل رانغاړي، خو د حقيقي ميني پله يې ډېره درنده ده. شعر يې

په اخلاقو، انساني کرامت د ژوند د مختلفو کړلېږونو په هکله مذهبي او بشري لارښوونې لري؛ ځکه چې دا د

ختيځې نړۍ د ادبياتو يو تکبيری شعار دی.

واړه د خپل خان په نظر گوره که دانا يې

ای عبدالرحمانه! جهان درست عبدالرحمان دی دده په اشعارو کې تصوف د خراساني مکتب د کنايو او نرم اندۍ سره کره او

جوت تر او لري. دی د وحدت الوجود په هکله خورا روڼ اندی دی او د همدې نظري کلک پيرو ښکاري؛ خو سر سخت

الفاظ نه راوړي او د روشاني دورې د شاعرانو په څېر له تېزۍ څخه هم کار نه اخلي. د روښاني دورې شاعر مرزا خان

انصاري د وجودي توحيد په هکله وايي: ما چې وکوت په باطن د معنا ولی

د وحدت پر انگرېمېشت د کثرت کلی خو عبدالرحمن بابا بيا دا خبره په يو بل ډول داسې ښه کوي چې مطلب خونډور

افاده کوي او هم د مجاز او حقيقت دواړه

مزي پرې په خوځښت راوړي او وايي:

زه د يار ميني په يار باندي شيدا کرم که څوک ما گني زه نه يم واړه دی دی.

وحدت الوجود په تصوف کې يوه داسې نظريه ده؛ چې ټوله اسلامي نړۍ يې په خپلو انگازو کې راوستې له وحدت الوجود څخه مراد په هر څه کې يو ليدل

دي. چې په پارسی کې ورته د همه اوست اصطلاح راوړي.

عبدالرحمن بابا هم په پورته بېت کې همدا

تأثر انځور کړی دی.

شیخ سعدي صيب وايي:

جايکه دريا ست من کيستم

گر او هست حقا که من نيستم

عبدالرحمن بابا همدا خبره داسې کوي او وايي:

که می اصل د حیاتو د اوبو دی

بيا خو دا چې د اوبو په سر حباب يم

لنده دا چې عبدالرحمن بابا يو صوفي شاعر پاتې شوی چې د اشعارو مفکوره يې نگه او سوچه حقيقي مينه ده؛ ددې

ترڅنگ يې اخلاقي اړخ ته هم ډېره پاملرنه کړې او د انسانيت په هکله پوره معلومات خپل اولس ته د نظم په ژبه

پرېښي دي د رسول الله (ص) په عشق

پاتې په مخ: ۳۸

# په سينما، تياتر او تلويزيون كې د گريم ونډه

همت الله امين زى

په معدني، دونی، دپوسټکي، گيا، عطارو، او نور دخوښی وړ رنگونو باندی دڅېری بدلولته گريم وايي. په پخوانيو وختونو کې مصريانو به خپلي دواړه سترگی په رنگونو او يوه خاص ډول خطونو باندی رنگولی. دغه راز افریقایانو به هم دغه ډول کاراوه. سوریانو به هم د بېلابېلو ډول رنگونو په کارولو سره له گريم څخه کار اخیست. بشر او په لويه کې انساني ټولنه کې انسانانو په هر وخت او بېلابېلو حالاتو کې د سرگرمی او ديوه حالت دینه انخوړولو په موخه له گريم څخه کار اخیستی دی او دځانگړو ورځو لمانځنه بی دخوښی دښېو په برابرلو سره په سندرو او خپلي سنتي تفريح سره تېری کړی دی.

په فرانسه کې د ۱۷۷۸ میلادي کلونو کې د گريم له اوسني حالت څخه کار اخیستل کېده او دنن ورځې په شان کارېده. چې ډېری به ترې موخه ساعت تیری، شکل بدلول مسخره کول او دخوښی دښېو برابرول ول. له ډېری پخواني او آن له میلاد څخه وړاندی وختونو کې سینگار په نارینه او ښځو کې دښایسته کېدو او دپام وړ دگرځېدو لپاره دخلکو په مینځ کې کارېده او معمول وه. اما په ځینو محدودو چوکاټ کې او هغه هم په هر فرانسې کې په کې ځینې تفاوتونه ترسترگو کېده. چې په لباس، دویستانو او څېری سینگار، او نور وډولونو سره کېده. گريم او دڅېری بدلول په سینما، تياتر او تلويزيون کې په اوس وخت او په سلونو کاله پخوا وختونو کې په متداول ډول باندی دوام درلود. اما ديوه تفاوت په کولو سره چې دوخت په تېرېدو سره به په فني او سلیقوي ډول بدلون موندلی او ديوه مشخص هنر په ډول یې تيارز موندلی دی، ځکه چې دوربينونه او کامری او نور عصري سیستمونه دغه غوښتنه لاندوړه ډېروي. دگريم استفاده کوونکي درنگ، تکنیکونو، سیوري ورکول، دڅېری حجم، او نور ډولونو په سینما او تياتر کې کار اخلي چې دلوبغاړو لپاره دپام وړ دگرځېدو سبب گرځي. گريم باید په داسی ډول وکارول شي چې اصلي څېری ته زیان رسوونکي ونه اوسي. ځکه چې گريم څخه موخه دظاهري څېری ښودل دي، چې دپام وړ بدلون داروندانسان په څېره کې په ډاگه شي. اودهمغه رول دلوبولو لپاره چمتو شي.

گريم په کلاسیک، اپالېسټیک او سوریا لیست نندارو کې یوله بله سره تفاوت لري. که چېرې داروندکار لپاره سالون لوي واوسي، دتياتر گريم غلیظ او حجم یې ترپخوانیو او له باریکو خطونو څخه په کې کټه اخیستله کېږي. ځکه چې دکامری سترگی دانسان له سترگو څخه دقیقې دي او باریکینی دي. اودېر ورکې سیوری او خط هم دانسان په څېره کې دسینما دپېردي پرمخ او دتلويزيون پرصفحه ظاهر وي. چې دغه خط او اشتباگانې چې لکه او بی موده خطونه رامنځ ته کړي موخې ته په رسېدو کې خنډ پیدا کوي او داروند هنر کیفیت ته زیان رسوي همداغه چې دهر هنر لپاره دسینگار دغه ډولونه تفاوتونو ته اشاره کوي. دگريم استفاده کوونکي باید په اړنده برخه کې پوره مهارت ولري او په بېلابېلو ډولونو تقسیم بندی باندی وپوهېږي، چې په دی ډولونو کې دڅېری پېژندنه، دانسان دغړیو دساختمان پېژندنه، دروښانه سیوري ډول، درنگ پېژندنه، ماسک او پرېری او برېتوسره په بشپړه توگه اشنایي ولري. ترڅو کولی شي دانسان د شخصیت په ښودلو خپله سپارل شوی ونډه په سمه توگه ترسره کړي.







حنيفه واحد مختار  
گوينده راديو تلويزيون ملي

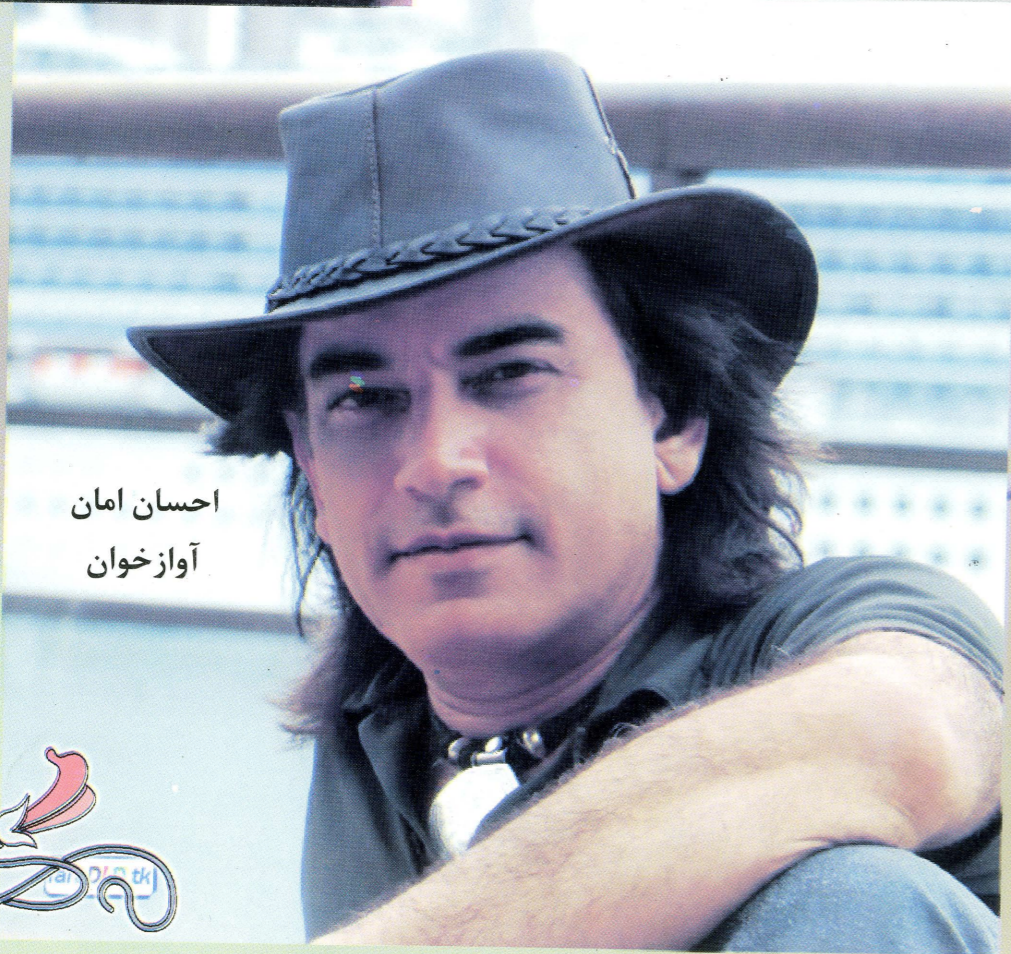
# اليوم هنري



اسدودين  
اولاخوان



دين محمد غمخوار  
آوازخوان



احسان امان  
آوازخوان



فريد صميم  
آوازخوان





اصغر جاوید

# ای زما وطنه

ای زما وطنه دلالونو خونو خزانای زما  
ستا هره دره کی دی، د تورو نینای زما

\*\*\*

ستا سر چی وی تیت، نو به زه شان او شوکت خه کرمه  
ته چی خوارو خار یی، زه به مال او دولت خه کرمه  
ته چی وران و یجار یی زه به خوب او راحت خه کرمه  
مسته به دی خاوره کرم پسه مینه مستانی زما  
ای زما وطنه دلالونو خونو خزانای زما

\*\*\*

عقل می ایبری شه ستا لپاره د فکرونو نه  
سترگی می قربان شه ستا لپاره د سوچونو نه  
خار شمه قربان شم ستا د خاورو د کورونو نه  
ستازره کی پرتی دی تویلی تلی زمانی زما  
ای زما وطنه دلالونو خونو خزانای زما

\*\*\*

یا به دی زه سیال کرمه وطنه د جهان  
یا به ستا په پینو کی توری خاوری کرمه خان  
خان به دری وری کرم خوتا به کرم ودان  
نریمه، پینتون یم تاته یادی افسانی زما  
ای زما وطنه دلالونو خونو خزانای زما

\*\*\*غنی خان بابا\*\*\*

# عزت

ته مي عظمت او ارادي وگوره  
 ز ماتاريخ او کارنامي وگوره  
 زه دنازودلوي همت نبنه يم  
 زه دغيرت اودعزت پته يم  
 په ماكي پت دزرغوني همت دي  
 دخپل وطن دلوي خدمت سمت دي  
 ز مادملالي توره هېره نه ده

هم دناهيددوينو بېره نه ده

که دبرېڅي ها شهامت دريادکړم

يا عايشي ها صداقت دريادکړم

ته يي وفا او قرباني وگوره

ته يي عزت پښتونولي وگوره

تل دپښتو لوړه شمله به يم

په خپل هېوادخوره وره به يم

پام ادبيي چې کله پاتي نه شي

په دي ډگرکي کله شاته نه شي



# غزل

من نه تاجيک نه پشتون، نه هزاره نه زترکم  
 من به مذهب نه زسني، نه زشيعة، نه زسيکم  
 نه شمالي، نه جنوبي، نه زغريم، نه زشرقم  
 نه بفرکنگ لفظم، نه بفرکتهمت وشر  
 خطه ام افغان ستانست، خاک آن ازمن سراسر  
 رود دريايت خروشان، کوهسارت باجلالند  
 پاک باداخطه من ازکف شـر وشرارت  
 خاک بادا بر دوچشمي کـوندار دتاب ديدن  
 مرگ بر خصمت هميشه، شادزي بي دردماتم

نه زازبک، نه بلوچم نه زایماق سترکم  
 نه دورنگم، نه دروغم، نه فسادم، نه شريکم  
 نه زکوی فتنه پيشان، نه پي تشويق فرقم  
 نه زراندوزم، نه نوکر، نه کلاه فتنه برسر  
 ماهمه افغان و افغان سر بر سر باهم برابر  
 فصل هایت بي نظير و مردمانت باکمانند  
 مرده بادا هرکه بردست صلح ميهن رابغارت  
 دست ميان راجوزنجير، متحد، باهم پريدن  
 دور بادا از وجودت تکه های راکت وبم

سبزبادا، سبزبادا، نام تو بر جسم و جانم

زنده بادا، زنده بادا، کشورم، افغان ستانم

لينا روزبه

اديبه ادیب

## غزل

## غزل

دوش از نظر خیال تو دامنکشان گذشت  
اشک آن قدر دوید ز پی، کز فغان گذشت  
تا پر فشانده‌ایم، ز خود هم گذاشته‌ایم  
دنیا غم تو نیست که نتوان از آن گذشت  
دارد غبار قافله نامی...دیام  
از پا نشستی که ز عالم توان گذشت  
برق و شرار، محمل فرصت نمی‌کشد  
عمری نداشتیم که بگویم چسان گذشت  
تا غنچه دم زند ز شکفتن، بهار رفت  
تا ناله گل کند ز جرس، کاروان گذشت  
بیرون نتاخته است از این عرصه هیچ کس  
واماندنی است این که تو گویی فلان گذشت  
ای معنی! آب شو که ز ننگ شعور خلق  
انصاف نیسز آب شد و از جهان گذشت  
یک نقطه پل ز ابله پا کفایت است  
زین بحر، همچو موج گهر می‌توان گذشت  
گر بگذری ز کشمکش چرخ، اصلی  
محو نشانه است چو تیر از کمان گذشت  
واماندگی ز عافیتیم بی‌نیاز کرد  
بال آن قدر شکست که از اشیان گذشت  
طی شد بساط عمر به پای شکست رنگ  
بر شمع، یک بهار گل زعفران گذشت  
دلدار رفت و من به وداعی نسوختم  
یارب چه برق بر من آتش به جان گذشت  
تمکین کجا به سعی خرامت رضا دهد؟  
کم نیست این که نام توام بر زبان گذشت  
«بیدل» چه مشکل است ز دنیا گذشتیم  
یک ناله داشتیم که ز هفت آسمان گذشت

عبدالقادر بیدل

مخ می دجانان دی که خلاجیرته هینداره کـری  
خدای ورته ونه وایمه مابه گنهگاره کـری  
مخکی دی غم بنه و،ستا په یاد به پـری ویده شومه  
اوس چی راته راشی نو ویده می رابیداره کـری  
ورنه خـومی مه بیا به دی هپخوک هم د غم نه وی  
داسی یوه گناه وکـره چی ما له تا بیزاره کـری  
خیرکه په هنـر دیارانی بنه نه پوهـبرم اوس  
لویه به شم،پویه به شم،خدای به می هوبنیاره کـری  
ما ته بی جامونه را معلوم دی ، بنه پـری پویه یم  
دامعلومه نه ده چی سجدی دچاله پاره کـری ؟  
هرسـری جنت گتی ، دوزخ گتی خیل خان وته  
دلته داسی خوک دی چی ژوندون د بل لپاره کـری ؟  
هره شپه که ستاپه یادویده پکتیانی نه یمه  
غارې می دی بندې وی خدای پاک می دی مرداره کـری

حمیده پکتیانی

## غزل

سترگی ورم سترگی راورم ته پکی نه یی  
 بنکلی، بنکلی چانوم ته پکی نه یی  
 شبیه مخکی هم په دغه خای بکاره شوی  
 اوس داخاوری اروم ته پکی نه یی  
 هسی درد یی، هسی یاد یی، هسی روح یی  
 کنه خان چی لئوم تته پکی نه یی  
 داشیبه به کنی ژوند کی کله راشی  
 چی زه سترگی غروم ته پکی نه یی  
 هسی ستانوم یادول می پکی خویش دی  
 کنه داکیسه چی کورم ته پکی نه یی  
 گوره رود له سپین غره مستی خچی راوری  
 ستاحضور احساسوم ته پکی نه یی

رودوال

## ساعله امید

دوش اشکم ره زنان با آه دل بیبرید و رفت  
 چون گهر از دیده من پیش پا افتیدورفت  
 شعله جانسوزغم برجان ودل افتیده بود  
 ناله دل رامیان آتشی نشنید و رفت  
 ره گشودازچشم من درنیمه شب سوی سحر  
 صبحدم برروی گل چون شبنمی خندید و رفت  
 دامنم از دانه های اشک من با لنده بود  
 نا گهان دستی صبا، وان دانه دانه چید و رفت  
 قطره های اشک جاری دامن دریا گرفت  
 عاقبت در ساحل، امیدها پیچید و رفت  
 آه سرگردان من اندر پی اشکی تری  
 وادی گم گشته گان را هرکجا پالید و رفت  
 این چه حکمت بود که ز فیض وجود اشک من؟  
 عشق آمد، جلوه کردو حال دل پرسید و رفت  
 حاصل مقصود گوارخواهی (عزیزه) سعی کن  
 هر قدم درزندگی باید نیکو سنجید و رفت  
 عزیزه عنایت



## صفحه شعر

## تنهایی

گریبان گیر جان خویشم از بسیار تنهایی  
 سرم میریزد امشب از درودیوار تنهایی  
 دلی که داشتم دیوانه گیهایش زپا افگند  
 سری تاملی بر آرم میدهد آزار تنهایی  
 خموشیهای من در پرده هایش رنگ میگردد  
 چه ساز روشنی دارد به چشم یار تنهایی  
 به هر جمعی که آواز محبت میشود بالا  
 خیالی را به خونم میکند بیدار تنهایی  
 آشنا ره میکشاید از درون اما  
 گلو میگیرد م اندوه دریا بار تنهایی  
 همیشه چشم من از همسرایان دستگیری بود  
 ولی اینک رفیق راه غربتسار تنهایی  
 قهار عاصی

## غزل



## خوشم میآید!

گردش چشم سیاه تو خوشم میآید  
 موج دریای نگاه تو خوشم میآید  
 همچو مهناب که بر ابر حریری تابد  
 تن و تن پوش سیاه تو خوشم میآید  
 چون چراغی که دل شب به مزاری سوزد  
 سوختن در سر راه تو خوشم میآید  
 در سپهر نگهم نور فشاند شبها  
 مهر من جلوه ماه تو خوشم میآید  
 جلوه گلشن اندام که دیدی ای دست  
 که خس و خار و گیاه تو خوشم میآید  
 بسکه در آتش هجران کسی سوخته پی  
 اشک جانپرور و آه تو خوشم میآید  
 رفتی از خویش و کف پای کرا بوسیدی؟  
 ای دل پاک گناه تو خوشم میآید  
 حیدری وجودی

چی شبیه شی کوم یو بنکلی، کومی لاری نه راوخی  
 نص ویردیاری، یارشی له هینداری نه راوخی  
 ستاخور نوم چی جانانه کله، کله ترنم کرم  
 رقیب ورته دمار غ ووندي له باری نه راوخی  
 ز مادلوتی، لوتی وطن خوان شاعر دی داسی  
 فقط لکه کوم گل چی له شودیاری نه راوخی  
 دازره به بیاد اوو خونو، اوو قلفو ترشا کرم  
 کچیری له لاسو ددی خونکاری نه راوخی  
 نذیر ای نذیره د خیل خان قاتل بی خپله  
 داغزبه دی دسرو وینو له داری نه راوخی  
 نذیر احمد نذیر





# بیاتو بیاتو بیاتو

گفت وگو با ولی حجازی

طبع الله بختانی

در تلاش بودم تا با آوازخوان جوان، "ولی" که به گلزار موسیقی کشور گلهای تازه بخشیده و توجه هموطنان را به سویش جلب کرده، مصاحبه داشته باشم.

"ولی" آواز خوان موفق نسل جوان که آهنگ هایش همه را با او آشنا ساخته، پس از تلاش چند روزه موفق شدم با ایشان هم صحبت شوم. بعد از احوال پرسی، سوالاتم را چنین طرح کردم:

آواز: چه وقت به هنر آوازخوانی آغاز کردید، مشوق و راهنمای شما در این زمینه کی بود؟

ولی : مدت چهارده سال میشود که به موسیقی عشق و علاقه دارم و جرأت داخل شدن به این دنیای بزرگ و زیبا را پدر بزرگوام که خود، نوازنده بود به من بخشید. مادرم نیز که گاهی زمزمه هایم را میشنید مرا تشویق میکرد و نا گفته نباید گذاشت که مرحوم نصرت پارسا هم در آموزش بیشتر آواز خوانی و آنچه را خودش از استادان بزرگ هندی آموخته بود به من نیز آموخت .

آواز: اولین آهنگ تان کدام بود و شعر و کمپوز آهنگ از کی بود؟

ولی : اولین آهنگی که اجرا کردم آهنگ دوگانه به نام ( بیاتو ) بود که شعر و کمپوز از خودم است و نا گفته نماند که در این آهنگ



هموطنانم که در افغانستان عزیز زندگی میکنند روان میکنم و یک قسمت آنرا در راه موسیقی به مصرف میرسانم .

آواز: شما هنر آوازخوانی رابه یک شیوه جدید آغاز کردید. در آینده چه پلانهای در این زمینه دارید ؟



ولی: این شیوه را دنبال میکنم و یکی از رویاها و آرزوهایم خدمت به موسیقی اصیل افغانی است که امید وارم به کمک هنر دوستان و هموطنان عزیز که همیشه مورد لطف و تشویق شان قرار گرفتم به این هدف برسم .

آواز: از شما جهان سپاس موفقیت های هر چه بیشتر در تمام عرصه های زنده گی برایتان خواهانیم .

تشکر میکنم و برای همه دست اندرکاران "مجله آواز" موفقیت های بسیاری آرزو میکنم .

ولی: تا حال یک سی دی دارم که شامل یازده آهنگ است که (بعد از عشق) نام دارد .

آواز: اجازه است از زندگی شخصی تان هم پرسشی داشته باشم؟

ولی: بلی بفرمایید!

آواز: آیا ازدواج کرده اید؟

مریم مرید همراهی کرده است .  
آواز: شما در اجرای آهنگهای فارسی ایرانی زیاد موفق بودید. دلیل آن چیست ؟

ولی: اول اینکه من مدتی در ایران بودم و آنجا آهنگهای ایرانی می شنیدم و به لهجه ایرانی صحبت میکردم، دوستان مرا تشویق میکردند تا اینکه با یک کمپنی موسیقی ایرانی به نام "آونگ" همکاری شدم و آهنگهایی که با لهجه ایرانی اجرا کردم خوشبختانه هم مورد توجه هموطنان ما و هم طرف توجه جدی همزبانان ایرانی قرار گرفت .

آواز: چه نوازندگانی شما را در کنسرت و ثبت سی دی ها همراهی میکنند ؟

ولی: نوازندگانی که با من همکاری میکنند اکثرشان آلمانی هستند که تقریباً در حدود هفت آله موسیقی در اجرای هر کنسرت و ثبت سی دی هایم شامل میباشد .

آواز: در اجرای آهنگهای دوگانه چه نظری دارید ؟

ولی: آهنگهای دوگانه بیشتر طرف توجه شنونده گان قرار دارد و از بین چندین هنرمند آواز خوان دختر بالاخره تصمیم گرفتم تا آهنگهایم را با "مریم مرید" که آواز خوبی دارد اجرا کنم .

آواز: ولی جان، آیا در جریان تمرین آهنگ گاهی به مشکل بر خوردید ؟

ولی: به هیچ صورت، چون من به موسیقی عشق دارم و عشق وقتی به نتیجه میرسد که انسان صبور باشد و کاریکه در پیشرو دارد به اعصاب آرام و علاقه خاص پیش برود .

آواز: چند آهنگ و چند سی دی دارید ؟

ولی: متأسفانه هنوز نی!

آواز: چرا متأسفانه ؟

ولی: به خاطریکه هنوز موفق به انتخاب همسر و همراه زندگی نشده ام چون زندگی هنرمند توأم با سفرها و تمرینات مداوم و مصروفیت های پی هم است .

آواز: قرار معلوم شما از کنسرت های تان در آمد پولی خوبی دارید. این پول را در چه راهی مصرف میکنید ؟

ولی: سوال جالبی است. باید عرض کنم که من به تجارت علاقه دارم ، و در آمد پولی که از کنسرت ها دارم یک قسمت آنرا به



انور وفا سمندر

# د غږ چینه

په تیر پسی

هستي پرته له خدایه حس کوو!

مور د الهي غږ او نور په دنیا کې اوسو.

هر وگری، هر ژوندی موجود، هر څیز؛ نومول شوی؛ په ډاگه شوی.

هر وگری یو خالص غږ دی چې مور یې نوم-کلمه یادوو.

هر څیز یو غږ دی؛ منعکس غږ؛ ټول غږونه مور ته غږیږي.

رڼا ز مور ده.

دغه دوه ابدی جریانونه ټوله هستي تغذیه کوي.

مور چې څه خورو،

چې څه څښو،

چې څه مور ته د ژوند خواک را کوي؛ ټول د غږ او نور له سمندر را اورېدلي د عشق میوي دي.

مور غږیږو؛ خو غور ایښودل مو لا نه دي زده کړي.

مور خپل غږونه اصیله او برتره ژبه گڼو او د طبیعت په میلیونونو ژبو هېڅ نه پوهیږو.

مور هستي د خپل لگښت هټی گڼو؛ خو هستي د خدای ده. هېڅ شی پرته له خدایه نشته.

له هر څه به ووځو؛ خو د خدای له قلمرو، د خدای له مینې، د خدای له هستی نه شو وتلای.

مور هر څه وینو، هر څه اوروو، هر څه حس کوو؛ خو خدای...آ، سوځم؛ نه یې شم ویلای!

\*\*\*

## څه چې وینو ژوند دی

هغه ژوند چې په یوه لېږي او یوازي وچ زري کې دی، په ما او تا کې

هم دی.

خدای هماغومره د ما هم دی چې د زري هم دی.

ستوری هماغومره هغه یوازېني ته ورنیږدي دي، چې د تبت د وچو

ډاگونو وچ کانی نیږدي دی.

خدای شته او تر هر څه نیږدي نیږدي؛



له نیږدي هم رانیږدي دی؛

له «خان» چې ورتبر شو!

خدای دلته دی، هلته دی... نو زمان او مکان له کومه شول؟ ماده او انرژي له کومه شول؟

خدایه! حقیقت یوازي ته یې؛ زه دېوال یم او ټول دېوالونه مادي دي!

پاتي په مخ: ۴۳

# ای کاش

یحیی افشار



همین اکنون، همین حالا، این را  
پذیری که لطف و فیض از هر طرف  
بر تو جاریست

خداوند نعمتش را بر تو تمام کرده و این  
تویی که باید آماده پذیرش باشی؛ چنان  
بذوق و حال که بال و پر بکشایی  
و از همین اکنون پرواز را آغاز کنی تا  
فراز های برتر، تا آنجا که "فرشته راه  
ندارد به مکان آدمیت" آری، تا آنجا  
که جبرائیل را اجازه ورود نیست و فقط  
آدم واقعی میتواند اذان دخول داشته  
باشد؛ آری فقط آدمی که خدا را  
در خودش پیدا کرده باشد.

آری، کسیکه خدا را ناظر دیده باشد در  
آفرینش زیباییش و در هدایا فضل بی  
پایانش.

را از دست رفته بدانی و تشویش و اندوه  
آنرا امرزاید و بیهوده. وهم نباید با خواب  
و خیال آینده، فرصت های شریین و نقد  
حال را از دست دهی، که آن دو گذشته  
و آینده از دسترس بیرون و "حال"  
موجود و در دسترس توست؛ چرا که  
سازنده سرشت و رقم زننده سر نوشت  
تو برای "شدن" و متجلی شدن است.  
و این تنها فرصتی است که می توانی  
آهنگ نفس هایت را بشنوی و ضربان  
قلب را حس کنی و هدایای هستی را  
که از هر طرف ترا انباشته، دریافت کنی  
. این وقتی میسر است که "ای کاش"  
را کنار بگذاری و به جای آن بگویی،



"ای کاش" گفتن ها همان صداها  
و نجواهای درون آدمی است، در جهت  
خواستن و آرزو کردن چیزهایی که  
اکنون در دسترس او نیست.

ای کاش فهرستی از آرزوهای تحقق  
نیافته و فرصت های از دست رفته یی  
است که به گذشته تعلق دارد. و یا  
مجموعه یی از رویاها و خواست های  
است که ما خواهش تحقق آنرا در آینده  
داریم.

اولی اندوه و حسرت میزاید. دومی  
بذر آرزو میکارد. آن یکی، اگر به جهت  
عبرت آموزی و تجربه اندوزی  
باشد، بر حسرت و اندوه غالب می آید  
و با تمرکز در "زمان حال" بستری  
مناسب میشود برای بهره مندی از روح  
حیات.

و اما، بهتر آن است که این آه و حسرت  
ها، نه بر اساس زیاده خواهی و حرص  
و آز در جنبه های مادی زنده گی، بل  
در جهت کمال و شگوه مندی معنوی  
آدمی باشد؛ و گرنه افق آینده نیز چون  
گذشته ملال آفرین و با افسوس  
و حسرت قرین خواهد بود.

ای عزیز! چنان باش که گذشته

# رادیو تلویزیون کندز



سید اسماعیل انصاری آمر رادیو تلویزیون ولایت کندز

فعال بودن دستگاه رادیو تلویزیون در قراء، قصبات و محلات مختلف ولایات کشوریکی از مهمترین و مبرم ترین وسایل برای آگاهی است تا مردم را از وقایع رویدادها، محیط زیست، تعلیم و تربیه، رسم و رواج ها، صحت، اقتصاد، روابط اجتماعی و غیره مسایل روز آگاهی و آموزش دهد. چون رادیو تلویزیون یکی از منابع تبلیغ و ترویج به شمار می رود. در اثر جنگ های داخلی کشور تعدادی از هموطنان نتوانستن راهی مکتب و یا تحصیلات شانرا به اتمام برسانند به

همین منوال سطح سواد پائین و مردم کمتر از رسانه های چاپی استفاده مینمایند، بنا" یگانه منابع مفید رادیو و تلویزیون است.

به همین ملحوظ دولت و مقامات محترم وزارت اطلاعات و فرهنگ هیت رهبری ریاست عمومی رادیو تلویزیون ملی افغانستان بخش تخنیکی و فرستنده در احیاء بازسازی و نصب و سایل پیشرفته دستگاه های رادیو تلویزیون همواره کوشا اند. در این شماره مجله آواز به طور مختصر در مورد نشرات رادیو تلویزیون محلی ولایت کندز معلومات ارایه می گردد:

رادیو محلی کندز در سال ۱۳۶۵ بانصب دستگاه رادیویی روسی به فعالیت آغاز کرد.

تلویزیون محلی کندز در سال ۱۳۶۶ بانصب دو دستگاه ترانسمیتر روسی کانالهای (۸ و ۶) تلویزیونی آغاز به نشرات نمود.

دستگاه رادیو در سال ۱۳۶۷ در اثر جنگها داخلی کشور کاملاً" حریق گردید و اما به تاریخ ۳۰/۵/۱۳۶۷ نشرات تلویزیون محلی دوباره آغاز شد.

باروی کار آمدن حکومت طالبان در سال ۱۳۷۶ نشرات تلویزیون قطع و نشرات رادیو محلی توسط یک دستگاه مخابره نظامی آغاز شد.

بعد از سقوط حکومت طالبان نشرات تلویزیون محلی کندز به تاریخ ۳/۸/۱۳۸۰ توسط دستگاه های روسی دو باره به نشرات آغاز کرد که از اثر کهنه و سابقه بودن وسایل تخنیکی دستگاه های متذکره از سرکت نشرات خارج گردید.

نشرات رادیو محلی در کندز از اثر تلاش و همکاری مسولین BBC در سال ۱۳۸۳ با منتاژ نمودن دستگاه ترانسمیتر ۲۵۰ وات فریکونسی FM (۹۴.۴) به نشرات خود ادامه میدهد

نشرات تلویزیون کندز با نصب یک دستگاه ترانسمیتر ساخت کشور فرانسه کانال (۶) به سیستم پال و سیکام برابر گردیده است این دستگاه از جانب کشور ( آلمان ) کمک گردیده است.

رادیو تلویزیون محلی کندز که شاخه از رادیو تلویزیون ملی محسوب می گردد. در دوره های مختلف توانسته است نقش یک رسانه ملی همگانی را به خوبی ایفا نماید که بدون شک همه فعالیت ها و دست آورد های این رسانه مرهون زحمات هئیت رهبری و کارکنان با احساس این اداره بوده است. به تعداد بیست و دو تن کارمند رسمی، مصروف تهیه و آماده سازی برنامه های متنوع محلی ولایت کندز است.

یکی از فعالیت های مهم این اداره اطلاع رسانی سریع و به موقع حوادث و انکشافات امنیتی و بازسازی در عرصه های گوناگون است، مردم چه میگویند؟ یکی از برنامه های دلچسپی و قابل توجه بیننده گان است که شهروندان آرزو ها، خواسته ها و مشکلات

شانرا از طریق آن به مراجع مربوطه می رسانند، همچنان معرفی رسوم و عنعنات مردم و اقوام ساکن در کندز را از طریق برنامه تحت عنوان فرهنگ مردم به نشر می رسانند.

جریان نشرات تلویزیون بین المللی ملی افغانستان در کندز یکی از برنامه های فرهنگی و رسانه ای دولت، حاکمیت زبان و گفتار دولت جمهوری اسلامی را در دورترین نقاط کشور تشکیل میدهد.

رادیو تلویزیون ملی کندز بنابر عدم موجودیت تخصیص کافی کارمندان، وسایل مجهز تخنیکی و نشراتی و وسایط حمل و نقل، معاش تشویقی، معاش اضافه کاری، ماکول شبانه، دچار مشکل و چالش های است گرچه در آینده نه چندان دور، سنگ تهادب تعمیر جدید رادیو تلویزیون ولایت کندز گذاشته خواهد شد اما برای احاطه تعمیر بودیجه اختصاص داده نشده، که از لحاظ نگهداری و امنیت محفوظ نخواهد بود. امید است در زمینه توجه جدی صورت گیرد.

نشرات رادیو محلی توسط کارمندان

رسمی و تعداد از پسران و دختران پوهنتون و مکاتب شهر کندز به طور افتخاری پیش برده می شود، از طریق رادیو هم برنامه های متنوع اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، هنری و ذوقی به طور ثبتي و مستقیم به نشر میرسد.

نشرات رادیو محلی قرار ذیل تنظیم گردیده است.

۱- از ساعت ۶ صبح الی ساعت ۱۲ ظهر برنامه های محلی.

۲- از ساعت ۱۲ الی ۲ ظهر ریلی نشرات رادیو ملی از مرکز.

۳- از ساعت ۲ الی ۷ شام نشر برنامه های محلی کندز.

۴- از ساعت ۷ شام الی ختم نشرات برنامه های فرستاده شده از مرکز.

قابل یاد آوری است که نشرات محلی تلویزیون ولایت کندز از ساعت ۶ صبح آغاز الی ۱۲ شب نشرات دارد که دربرگیرنده برنامه های متنوع، اخبار و گزارشات محلی آن ولایت و برنامه های فرستاده شده تلویزیون ملی افغانستان است.

# عبدالرحمن بابا دشعر

## خُلانده ستوری

کی دېر غرق تللی خو له خولی یی هېڅ  
 بی شعوره خبره نه ده اورېدل شوی. او  
 لومړنی خبره یې داده چی:  
 که صورت د محمد (ص) نه وای پیدا  
 پیدا کړي به خدای (ج) نه وای دا دنیا  
 په ټولنیز چاپیریال کې شعر او شاعري د  
 ټولني زېږنده دی. شعر په معنوي لحاظ  
 یوه هنري ټابلو ده؛ چی مواد یی ټولنه ده  
 او د ټولني هر اړخیزی انګېزی د ټابلو  
 رنگونه او رنگینی دي.

ټولنه په خپله د یو استاد او ښوونکي  
 حیثیت لري شاگرد او زده کوونکی یی  
 شاعر؛ خو هغه شاعر چی د ټولني څخه  
 انګېزی او انځورونه راخیستلای شو.

کله چی د ټولني خبره رامنځته شي اړینه  
 ده، چی د ټولني وګړي او ټولګي مغزو  
 کی تداعی شي، کله چی وګړو ته په خپل  
 فکر کی ځان ورکوو؛ نو دادی هم هېره نه  
 وي چی ددی ټولګیو ټولنیز مناسبات او  
 اړیکي مونږ ددی ایډیالوژی، ښوونه  
 روزنه، فرهنگ، سیاست، اقتصاد او  
 وګړیز فن او هنر ته متوجی کوي.

دا چی هره ټولنه کی دا پورته پیدیدي  
 موجودې وي؛ خو دي معنوي ارزښتونو  
 ته د خلکو متوجی کول او په ارزښت یی  
 پوهول دي.

د عبدالرحمن بابا ښوونه او روزنه په



شعوري توگه ډېره ساده ده؛ چې ډېر نکه او نېغ په نېغه مثالونه راوري او خپل مخاطب ته په امانی سره خپل مقصد ورافاده کوي. د پيداگوژۍ په اصولو کې دا هم يو ضروري اصل دی چې ښوونه او روزنه په مثالونو او تمرین ښه انتقالېږي. بابا هم همدې اصل ته کتلي او د علم او عالم درجه يې د ناپوهی تياره، کوته گاني او لکه د زرو په مقابل کې يې خاورې گڼي او داسې وايي:

په نظر د بي بحر

لکه شام هسی سحر

لکه سنگ هسی گوهر

لکه خاوري هسی زرا

د علم د معرفت په ډگر کې لومړنی ښوونځی مور ده. حضرت عمر (رض) وايي: تاسو د خپلو زمانو لپاره ښه مور وټاکئ، ځکه چې ښی مېنډې اولاد ښه روزي او ښه يې پالي.

که چېرته ته د مور په غېږ کې سم ونه روزل شي نو بيا هغه څه چې په دې لومړنی ښوونځي کې ښودل شوي وای ونه ښودل شول بيا وروسته دا سي ښوونځی مخ ته نه راځي چې دا خلا او خاليکا پري ډکه شي. عبدالرحمن بابا همدې ټکي ته په کلکه اشاره کوي او وايي:

هغه مخ چې مادر زاده ښايسته نه وي  
مشقت د مشاطې واره مه دار کا  
د زده کړې او روزنې په ذريعه د سړي  
په اخلاقو کړو وړو کې ډېر توپير  
پيدا کيږي ټول معنوي عېبونه د پوهې له  
کبله اصلاح کيږي. خو د عادت بدلون  
ډېر وخت غواړي چې له بني ادم څخه  
لارشي؛ ځکه چې عادت يو کسبي پدیده ده  
او کسبي پدیده ژر بدلون مومي.  
عبدالرحمن بابا په دې عقیده دی، چې  
عادت هېڅکله له سړي نه ځي.

علت لار شي عادت نه ځي له سړيه  
خدای (ج) دې نه کاندې په بده چار عادت  
څوک د بابا په اشعارو کې عجيبه خوند  
دلته دی چې ساده مذهبي رنگ لري ژور  
ژور مفاهيم ډېر په سرسري توگه تشریح  
کوي؛ بابا په دې قایل دی، چې بعضی  
فطرتاً ضعيف الاستعداده بنده گان دي،  
چې په هېڅ ډول به فوق العاده نه شي  
يعني که له ډېرو پوهانو سره ناسته پاسته  
وکړي بيا هم پوهه ترې نه شي  
اخيستلای؛ ځکه دده په قسمت کې يې  
علميت نه دی ليکلې. بابا وايي:

بد اختر به نېک اختر نه شي هرگز  
مرغه ميچ به زر گوهر نه شي هرگز  
که مکان يې په اسمان دی غزا وشوه  
ستاره به شمس قمر نه شي هرگز

که يې اصل له يوې ځمکې وي څه شو  
بيد به سر و صنوبر نه شي هرگز  
که همه عمر باران ورباندې اوري  
خس به گل د پيغمبر نه شي هرگز  
له نا اهلود وفا طمع و مکسره  
گنده نل به نيشکر نه شي هرگز  
که تور غر له خايه خوخي وبه خوخي  
ولې نور به مقدر نه شي هرگز  
د رحمان په باب چې وشو هغه وشو  
هم کن به دا دفتر نه شي هرگز  
کله چې يوه ټولنه د علم و هنر په گانه  
ونيول شي بيا دا ټولنه او وکړي نړی  
سنگاروي؛ خو په کومه ټولنه کې چې د  
علم او هنر قدر نه وي بيا ځای عالم او  
هنرمند نه د لسی په مثال دی. هنر مند او  
عالم د خپل کمال له کبله د نړی په هر  
ځای کې خپل مقام لاسته راوړلای شي؛  
زمونږ شاعر په همدې هکله وايي  
که جهان و بي هنروته فراغ وي  
يو لسی دی هنرمند و سره ننک  
هغه ښار جوهرې سره زندان وي  
چې يکسان وي په کې لعل د مردار سنک



# پس از مسافرت

حسیب شریفی



نصیبه وقتی به او نگاه می کرد همه غم هایش را فراموش می کرد. او برایش یک دنیا ارزش داشت. به او گفته بودند طفل اول خیلی شیرین است. او اکنون این شیرینی را حس می کرد. حتا گاهی اوقات به خاطر او بسیاری کار هایش را فراموش می کرد. با او بازی می کرد، به او لباس می پوشاند و برایش بهترین غذا ها را می داد و ساعت ها خودش را سرگرم می کرد. این خوشی ها را با خلیل یکجا تقسیم می کرد. خلیل فکر می کرد پس از گذشتادن یک دوره رنج و مشقت حالا او از خوشبخت ترین آدم ها است. از موقوف، جایگاه، شهرت، ثروت و ... برخوردار بود.

این خوشی ها دیری نپایید. آن روز که هوا خیلی دلپذیر بود، و بوی گل های بهار هر کسی را مست می کرد، با نصیبه و کریمه یکجا سوار موتر شدند و راهی تپه های سبز بادام دره شدند. کریمه زیبا تر از گل های بهار در چوکی جلو موتر به تماشای زیبایی های طبیعت پرداخته بود. او به سن ۱۱ پا گذاشته بود.

موهای سیاه بر چهره سپیدش زیبایی ویژه بی بخشیده بود. نزدیکی های ظهر بود که بر بلندای تپه بی توقف کردند؛ تا از زیبایی طبیعت و هوای ملایم دقایقی لذت ببرند. نصیبه رفت تا سفره را پهن کند و خلیل هم پس از این که کریمه را پیاده کرد، موتر را در گوشه بی خاموش کرد. کریمه با چند (عروسک گدی) خودش را مصروف ساخته بود. و پدر و مادرش از این حالت لذت می بردند. دقایقی نگذشته بود که کریمه به دنبال پروانه بی از تپه به پایین به دویدن آغاز کرد. گام هایش هر لحظه سریع تر می گردید. وقتی مادرش این را دید چیغ کشید و بی هوش بر زمین افتاد. خلیل هم هراسان و نگران به دنبال کریمه دوید. قبل از رسیدن او در یک چشم زدن کریمه

لحظه بی فرو گذار نمی کردند. نصیبه هر آن به گونه ها و چشمان او بوسه می زد و صدقه و قربانش می شد. چند روزی گذشت. بر بی فراری های مادرش افزوده می شد. بالاخره دکتوران نظر دادند که پای راست

به پایین تپه سقوط کرد و لحظه های خوشی آن ها را به غم تبدیل نمود. ساعت دو پس از چاشت آن روز کریمه در شفاخانه شهر بستری گردید. پدر و مادرش از او پرستاری می کردند و از هیچ کاری

حالی که آمدی، ده زنده بودن مه آرزو دارم هوس و آرمانته ببینم. نجیب دانست که مادرش چه می خواهد. پیش از این چند بار دیگر نیز از او خواسته بود تا دختر مورد نظرش را انتخاب کند که برود برایش خواستگاری. دختران زیادی را از محل برایش پیشنهاد کرده بود، اما او هیچ کدام آن ها را نپذیرفته بود.

پس از دقایقی بالاخره نجیب حرف دلش را برای مادرش گفت و از او خواست تا برای خواستگاری خانه پسرکاکایش (خلیل) برود. مادر! غیر از کریمه کسی دگه به دلم نمیشینه؛ اگر مره خوش می سازی... پیش از این که حرف نجیب تمام شود، مادرش حرف اش را قطع کرد و گفت: «بس کو دگه، تو از چه کم استی که یک دختر لنگ و بی پایه خوش کدی، شرم کو، ماره ده بین مردم شرمنده می سازی!

نجیب که مدت زیادی را در بیرون از افغانستان گذرانده بود، یاد گرفته بود که در مورد جایگاه یک معلول در جامعه چگونه فکر کند. او به همین خاطر خواست با ازدواج با دختر معلول پسر کاکایش این فکر منفی را از ذهن خانواده و مردم دور کند؛ مگر تلاش هایش بی نتیجه ماند و مادرش گفت اگر از این موضوع نگذرد شیرش را حلالش نخواهد ساخت. پس از آن روز نجیب آهسته آهسته منزوی و گوشه گیر شد و از این حالت در رنج و ناراحتی غرق گردید.

مادرش هم از موضوع زن گرفتن و خواستگاری دیگر چیزی نگفت. نجیب آن صبح تازه از خواب بلند شده بود که صدای خلیل را شنید که در صحن حویلی با سلیم صحبت می کرد: فردا بخیر کریمه جان میره پشت بخت خود. اگر همراهی زن کاکایم یکجایی بیابین، خوش می شوم.

نجیب فکر کرد هنوز هم خواب است و این موضوع را خواب می بیند. چشمانش را مالید و دروازه را باز کرد تا برود از نزدیک ببیند و بشنود؛ مگر خلیل رفته بود. دستش را به پیشانی اش گذاشت و دیگر فهمید چه شد.

پدرش، شاید همی ساعت ها پیدایش شوه. راستی شما قصه کنین از مهاجرت که بعد از دوازده سال آمدین؟ سلیم گوشه سفره را جمع کرد و گفت: «راست گفتمی بعد از دوازده سال آمدیم، شب ده مسیر راه دزدان موتر ما ره ایستاد کردند و دار و ندار ماره گرفتند. فقط لباس های مان با ما است بس. خلیل سرش را به علامت تأسف تکان داد و سفره را جمع نمود. نجیب با بچه های خلیل مصروف بازی بود که نصیبه با کریمه یکجا وارد شدند. نصیبه با تعجب نگاه کرد، در اول آن ها را نشناخت، اما وقتی خلیل برایش گفت که سلیم و نجیب است به آن ها خوش آمدید گفت و از آمدن شان خیلی خوشحال شد. کریمه شرمیده شرمیده با آن ها احوال پرسوی کرد و زود خانه را ترک کرد. نجیب متردد پرسید: ینگه جان، ای دختر شرمندوک کی بود؟ نشناختمش. نصیبه با تعجب گفت: چطوور نشناختین؟

همو وقتی که شما می رفتین او شش ساله بود. خو ببخشین که او وخت خورد بود، درست به یادمانده، حالی نام خدا جوان شده. خلیل موترش را روشن کرد تا آن دو را تا نزدیک ایستگاه موتر ها ببرد. نجیب و سلیم با همه خدا حافظی کردند و رفتند. هنگام خدا حافظی نجیب به عقبش نگاه کرد که کریمه ظرف می شوید. با او هم خدا حافظی کرد و رفتند. آن دو وقتی به خانه رسیدند، پس از یک مدت طولانی باعث خوشحالی همه گردیدند. خورد و بزرگ محل جوقه جوقه به دیدن شان می آمدند و از آنان می خواستند که از مسافرت و مصروفیت های شان در ملک مردم قصه کنند. مدتی از این دید و باز دید گذشت. و سلیم و نجیب با پدرش به کار زمین داری و کشاورزی شان مصروف شدند.

در نزدیکی های شام یک روز که مادرش مصروف پختن نان بود، نجیب آمد و نزدیک تنور نشست تا از نان گرم برآمده از تنور تناول کند. وقتی مادرش از پختن نان فارغ شد نگاهی به دور و برش انداخت و به پسرش گفت: نجیب بچیم، منتظرت بودم که بخیر از مسافرت بیایی؟

کریمه در اثر افتیدن به شدت آسیب دیده و امکان بهبودی آن نیست و باید از قسمت زانو قطع گردد. یک بار دیگر دنیا بر سر خلیل و خانمش سیاه و تاریک گردید و بر اینده کودک شان نگران شدند. وقتی کریمه بزرگ تر شده می رفت، در محل از این و آن حرف های ته و بالای زیادی می شنید که بر ناراحتی اش می افزود. با این همه آن دو، همه غم ها را تحمل کردند و دختر معلول شان را بیشتر از پیش مورد ناز و نوازش قرار دادند؛ تا او این کمبود را احساس نکند و مانند دیگران زندگی کند. چند سالی گذشت، خلیل پس از کریمه صاحب دو پسر دیگر گردید. کم کم فضای خانه حالت اولی اش را می یافت. کریمه نا راحت نبود. به درس هایش ادامه و از برادرانش نگهداری می کرد. حسن و زیبایی اش زبانزد همه شده بود. نیمه های شب بود که دروازه تک تک شد.

خلیل به مشکل از جایش بلند شد چراغ دستی اش را روشن کرد و رفت تا ببیند که در این وقت شب چه خبر است. باران به شدت می بارید و جوی های باریک آب گل آلود به هر طرف راه کشیده بود. وقتی دروازه را باز کرد با دو مردی که خیلی خسته به نظر می رسیدند برخورد. باران همه لباس های شان را تر ساخته بود. هر کدام پشتاره بی با خود داشتند. خلیل در اول آن ها را نشناخت؛ اما وقتی دقیق شد، دید پسران کاکایش (سلیم و نجیب) هستند.

آن ها همدیگر را در اغوش گرفتند و داخل خانه شدند. صبح وقتی چشم گشودند، باران نبود و آفتاب از میان ابرهای پراکنده چشمک می زد. سلیم، نجیب را بیدار نمود. نجیب گفت: شانه هایم هنوز هم درد می کند. بی انصاف ها هیچ دل شان نمی سوخت. خلیل جای صبح را آماده کرد و از آن دو خواست که بیابند سر سفره جای بچه های خلیل مثل آن که بیگانه بی به خانه شان آمده باشد خاموشانه به آن ها نگاه می کردند. سلیم رو به پسر کاکایش کرد و گفت: بچه کاکا نام خدا بچه ها کلان شده، مگم نگفتمی ینگیم شان کجاستند؟ زنده باشی! نصیبه رفته خانه

## د انځوريز هنر

له وروستی خوا وکتل شي، يقيناً چي د بدن وروستی خوا به يي ستره او سر به يي وړوکی بنکاره شي) دا انځورونه په رښتین او ریالستیک ډول جوړ شوي اوښودل شوي دي چي د هغه انځورگرانو د لوړ ځکه بنکارندويي کوي. رنگونه په زیاته پیماننه هارمني کارول شوي دي، (په انځورونو کې سري او توري څپري) دا انځورونه په رښتني ډول د باروک (Barokke) د ځانگړي فرهنگ ستایل دی، چي د التمر په وړاندی را څرگنديري. په تور رنگ کښل شوي ليکي، په يوه انځور کې زیات رنگونه ښودل، انځورونه په چټک او متحرک انداز تنظیمول، دا بیلگي د چاویت (Chavet) په هغو انځورونو کې چي د هغه ځای دلاندنی برخي څخه په لاس راغلي، د خپل مهال ریالستیک او واقعي انځورونه دي. په انځورونو کې هغه حیوانات او یاد حیواناتو د بدن ځیني برخي انځور شوي دي چي، هغه مهال يي ژوند کوی او په

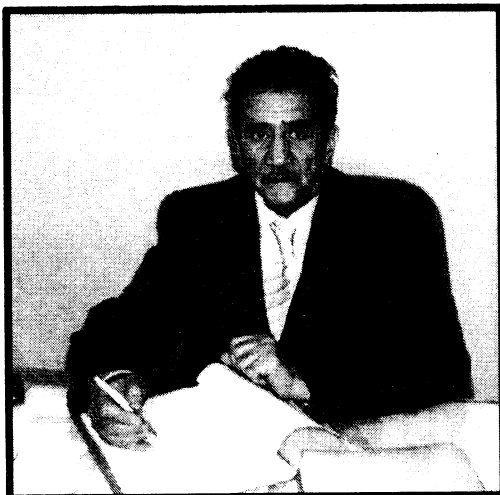
خپل چاپير يال کې پیژندل شوي وه. د حیواناتو ښکرونه، پوزه د زمري خوله، د شرمښ ملا او یوشمير نور داسي انځور شوي دي چي له ورايه خوځښت او حرکت په کې بریښي. د دي تر څنگ د حیواناتو په تر تیب دریدل هم د انځورونو یو ځانگړی هارموني منځ ته راوستی ده.

اوس پر دي ټکي غور په کار دی چي دا ډول ستر انځورنه چي په هر سیمه کې وموندل شي، تعبیر او تفسیر به يي سره ورته وي او که د بیلا بیلو سیمو د ورته انځورونو څخه به بیلا بیل تعبیرونو او اخستنو ته اړتیا وي؟

پیشي ډوله حیوان، مامونت، اس، گوزن، غرځنی، او یوشمير نور چي د هغه مهال انسان (انځور گر) ورته پام کړيدي، په دي ټولگه کې سته. سمندري سپی، مار، یوشمير الوتونکي، ماهیان، سمندري تی لرونکي ژوي (Pinguin) واره ژوي (حشري) او نور، خو یو شمير بیا داسي حیوانات هم انځور شوي دي چي اوس مهال يي پیژندل شوني نه دي، ښايي د هغو حیواناتو نسلونه به ورک شوي وي. په هر تر تیب، دا ټوله دا څرگندوي چي د هغه مهال انځور گرانو خپل طبیعي چاپير يال په خپلو هنري پنځونو د پوهېدلو جوگه کړی دی.



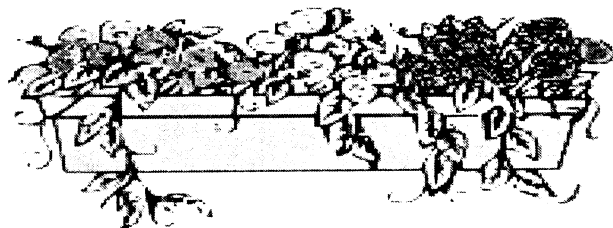
## شناسایی کارمندان موفق



الحاج عبدالقادر جاوید در ولایت کابل تولد، دوره ابتدایی را در مکتب بلخی سپس شامل لیسه عالی غازی شد پس از سپری نمودن امتحان کانکور شامل پوهنخی ادبیات و علوم بشری پوهنتون کابل شد که در سال ۱۳۵۱ از رشته زبان دری به سویه لیسانس فارغ گردید. در همین سال به حیث عضو ریاست نشرات ولایات وزارت اطلاعات و کلتور به طور رسمی مقرر شد.

موصوف جهت فراگرفتن آموزش در بخش های کمره مینی لایت کارگردانی و ثبت آهنگ ها از ظرف رادیو تلویزیون ملی عازم کشور ایران گردید. که پس از عودت به کشور به حیث مدیر عمومی برنامه های تلویزیونی اجرائی وظیفه نمودمدتی مسؤول سرپرست افغان موزیک انجام وظیفه نموده است در سال ۱۳۸۱ به حیث مدیر برنامه های موسیقی و نظریه لیاقت و شایستگی که دارد در سال ۱۳۸۹ به حیث امر رادیو تلویزیون ولایات تعیین که تا اکنون در همین پست انجام خدمت می نماید. موصوف بر علاوه از وظایف دولتی به کارهای هنری نیز دسترسی داشته که

در حدود ۷۰ پارچه آهنگ در ارشیف رادیو افغانستان و سه پارچه آهنگ در ارشیف تلویزیون ملی دارد، بیشترین آهنگهای هنرمندان را در رادیو و تلویزیون دایرکت نموده است. برای شان طول عمر و موفقیت هر چه بیشتر در تمام عرصه های زنده گی از خداوند متعال خواهانیم.



دا ما څه وکرل؟ ذهن می دک، جیبونه می دک، کبده می دکه؛

خاطری می دکی، کور کهول دک، کلی او کوڅه هم دک...

زه د درو و غجن زمان او درو و غجن مکان درو و غو پرسولی او لوړ کری یم.

زه نه یم؛ دا هرڅه زره زره د خدای دی. او خدای د ټولو دی.

ز مور هر ه ساه، هر اواز، هر حرکت او هر پیرک د خدای دی.

خدایه! څه چی دی ستا دی؛ نو هغه څه دی وشي چی ستا اراده یی غواری.

شکر، خدایه په دی دعا سره می زره ته ډېره خوښی راغله.

خدایه! غواریم زره می همداسی سپین او تازه او له رنگونو دک پاتی شي!

د نور او کلام دوستانو!

ژوند وکړی؛ ژوند کول او د ژوند همکار کېدل لویه دعا ده؛ وگورئ ژوند څومره سپین دی.

راحی خپل قضاوتونه له ژوند څخه پاک کړو، راحی خدای ته سپین ور روان شو.

اها، ز مور ټولو کاروان سپین دی.

برخلیک څومره ښکلی شو؛ برخلیک تک سپین شو.

غور ېدم، ژوندی استاذ په زره کی غریږي:

«یو له هغو څیزونو څخه چی د حق د استادانو په حضور کی یو وکړی ورته لاره مومي؛ هغه د خان په دننه کی د الهی عشق

موندل دي. دا د وجود هغه نه بیژندلی برخه ده چی د چا پام نه ورگرځي هلته دی عشق او مینه ومومي.»

پاتی په مخ: ۴۸

# پلانت نشراتی

دوشنبه	یکشنبه	شنبه	وقت
پروگرام دینی	پروگرام دینی	پروگرام دینی	۶/۰۰
اخبار	اخبار	اخبار	۷/۰۰
سلام صبح بخیر	سلام صبح بخیر	سلام صبح بخیر	۷/۱۰
خبرونه	خبرونه	خبرونه	۸/۰۰
ادامه سلام صبح بخیر	ادامه سلام صبح بخیر	ادامه سلام صبح بخیر	۸/۱۰
اخبار	اخبار	اخبار	۹/۰۰
اینده سازان	میله	بیاموزیم - دانش	۹/۱۰
زراعت - پولیس	اردوی ملی	اه واه	۹/۳۰
خبرونه	خبرونه	خبرونه	۱۰/۰۰
مباحثه	سخن و اندیشه	بحث هفته	۱۰/۱۰
جهان ما	دستآورد	بحث هفته	۱۰/۳۰
پشته نی و ترکمنی	پشته نی و ترکمنی	پشته نی و ترکمنی	۱۱/۰۰
گزارش	گزارش	گزارش	۱۱/۴۰
خبرونه	خبرونه	خبرونه	۱۲/۰۰
کورنی ژوند	جسجوی حقایق	تندرستی	۱۲/۱۰
پرسشهای دینی	والعصر	در رهگذر نور	۱۲/۳۰
نورستانی	نورستانی	نورستانی	۱/۰۰
مجله تلویزیونی	هفت کلک	رنگین کمان	۱/۲۰
خبرونه	خبرونه	خبرونه	۲/۰۰
هوانوا	مردم و موسیقی	ساعتی با شما	۲/۱۰
بلوچی و ازبکی	بلوچی و ازبکی	بلوچی و ازبکی	۳/۰۰
کارتون	کارتون	کارتون	۳/۴۰
اخبار	اخبار	اخبار	۴/۰۰
کودک	کلکین	اینده سازان	۴/۱۰
شهر ما خانه ما	جوانان	جهان ما	۴/۳۰
خبرونه	خبرونه	خبرونه	۵/۰۰
قضا	پرسشهای دینی	والعصر	۵/۱۰
دروازه ترشا	پرسشهای دینی	دستآورد	۵/۳۰
صدای آشنا	صدای آشنا	صدای آشنا	۶/۰۰
سریال	نیمه دیگر	روپرو با مردم	۷/۰۰
گزارش	گزارش	گزارش	۷/۳۰
اخبار	اخبار	اخبار	۸/۰۰
انعکاس	اینه شهر - نگاه	کاروان حله	۹/۰۰
هفت شهر هنر - لحظه ها	فرهنگ مردم کتاب	مجله - مشعلداران	۹/۳۰
اخبار انگلیسی	اخبار انگلیسی	اخبار انگلیسی	۱۰/۰۰
نقد و نظر	مباحثه	سخن و اندیشه	۱۰/۱۰
ورزش جهان	سریال عشق پیری	پرطاووس	۱۱/۰۰
زمزمه ها	زمزمه ها	عزل	۱۱/۴۰
اخبار	اخبار	اخبار	۱۲/۰۰
سلام صبح بخیر	سلام صبح بخیر	سلام صبح بخیر	۱/۰۰
اخبار انگلیسی	اخبار انگلیسی	اخبار انگلیسی	۲/۰۰
اینه شهر	مباحثه	ساعتی با شما	۲/۱۰
فرهنگ مردم	کاروان حله	ساعتی با شما	۲/۳۰
نیمه دیگر	سخن و اندیشه	پرسشهای طبی	۳/۰۰
مردم و موسیقی	مجله	گنسریت	۳/۳۰
مردن موسیقی	گزارش	گنسریت	۴/۰۰
پرسشهای دینی	والعصر	رهگذر نور	۴/۳۰
جوانان	دستآورد	کورنی ژوند	۵/۰۰
کلکین	اینده سازان	کلکین	۵/۳۰

# تلویزیون ملی افغانستان

وقت	سه شنبه	چهار شنبه	پنجشنبه	جمعه
۶/۰۰	پروگرام دینی	پروگرام دینی	پروگرام دینی	پروگرام دینی
۷/۰۰	اخبار	اخبار	اخبار	اخبار
۷/۱۰	سلام صبح بخیر	سلام صبح بخیر	سلام صبح بخیر	سلام صبح بخیر
۸/۰۰	خبرونه	خبرونه	خبرونه	خبرونه
۸/۱۰	ادامه سلام صبح بخیر	ادامه سلام صبح بخیر	ادامه سلام صبح بخیر	ادامه سلام صبح بخیر
۹/۰۰	اخبار	اخبار	اخبار	اخبار
۹/۱۰	کلکین	کلکین	کلکین	کلکین
۹/۳۰	جو اتان	جو اتان	جو اتان	جو اتان
۱۰/۰۰	خبرونه	خبرونه	خبرونه	خبرونه
۱۰/۱۰	آینه شهر - نگاه	آینه شهر - نگاه	آینه شهر - نگاه	آینه شهر - نگاه
۱۰/۳۰	کاروان حله	کاروان حله	کاروان حله	کاروان حله
۱۱/۰۰	پشته نی و ترکمنی	پشته نی و ترکمنی	پشته نی و ترکمنی	پشته نی و ترکمنی
۱۱/۴۰	گزارش	گزارش	گزارش	گزارش
۱۲/۰۰	خبرونه	خبرونه	خبرونه	خبرونه
۱۲/۱۰	سریال	سریال	سریال	سریال
۱۲/۳۰	قضا	قضا	قضا	قضا
۱/۰۰	نورستانی	نورستانی	نورستانی	نورستانی
۱/۲۰	نقد و نظر	نقد و نظر	نقد و نظر	نقد و نظر
۲/۰۰	خبرونه	خبرونه	خبرونه	خبرونه
۲/۱۰	پرسشهای طبی	پرسشهای طبی	پرسشهای طبی	پرسشهای طبی
۳/۰۰	بلوچی و ازبکی	بلوچی و ازبکی	بلوچی و ازبکی	بلوچی و ازبکی
۳/۴۰	کارتون	کارتون	کارتون	کارتون
۴/۰۰	اخبار	اخبار	اخبار	اخبار
۴/۱۰	نونهالان	نونهالان	نونهالان	نونهالان
۴/۳۰	جهان حیوانات - راپور علمی	جهان حیوانات - راپور علمی	جهان حیوانات - راپور علمی	جهان حیوانات - راپور علمی
۵/۰۰	خبرونه	خبرونه	خبرونه	خبرونه
۵/۱۰	پرشهای دینی	پرشهای دینی	پرشهای دینی	پرشهای دینی
۵/۳۰	پرشهای دینی	پرشهای دینی	پرشهای دینی	پرشهای دینی
۶/۰۰	صدای آشنا	صدای آشنا	صدای آشنا	صدای آشنا
۷/۰۰	بسوی خوشبختی	بسوی خوشبختی	بسوی خوشبختی	بسوی خوشبختی
۷/۳۰	گزارش	گزارش	گزارش	گزارش
۸/۰۰	اخبار	اخبار	اخبار	اخبار
۹/۰۰	اقتصاد	اقتصاد	اقتصاد	اقتصاد
۹/۳۰	چشم انداز	چشم انداز	چشم انداز	چشم انداز
۱۰/۰۰	اخبار انگلیسی	اخبار انگلیسی	اخبار انگلیسی	اخبار انگلیسی
۱۰/۱۰	تودی شیبی	تودی شیبی	تودی شیبی	تودی شیبی
۱۱/۰۰	سریال خارجی	سریال خارجی	سریال خارجی	سریال خارجی
۱۱/۴۰	مردم و موسیقی	مردم و موسیقی	مردم و موسیقی	مردم و موسیقی
۱۲/۰۰	اخبار	اخبار	اخبار	اخبار
۱/۰۰	سلام صبح بخیر	سلام صبح بخیر	سلام صبح بخیر	سلام صبح بخیر
۲/۰۰	اخبار انگلیسی	اخبار انگلیسی	اخبار انگلیسی	اخبار انگلیسی
۲/۱۰	انعکاس	انعکاس	انعکاس	انعکاس
۲/۳۰	هفت شهر هنر	هفت شهر هنر	هفت شهر هنر	هفت شهر هنر
۳/۰۰	سریال	سریال	سریال	سریال
۳/۳۰	شهر ما خانه ما	شهر ما خانه ما	شهر ما خانه ما	شهر ما خانه ما
۴/۰۰	تودی شیبی	تودی شیبی	تودی شیبی	تودی شیبی
۴/۳۰	قضا	قضا	قضا	قضا
۵/۰۰	ورزش هفته	ورزش هفته	ورزش هفته	ورزش هفته
۵/۳۰	کودک	کودک	کودک	کودک

# پلان نشراتی

## شنبه

- ۴۵۸ اثرم رادیوسرود ملی و معرفی
- ۵ تلاوت و ترجمه کلام الله مجید
- ۵:۳۲ صوت النبی (ص) خیره‌نگ
- ۶:۰۰ نیروی ملغری
- ۶:۰۰ پیام صبگهان
- ۶:۳۰ صبح بخیر افغانستان
- ۷:۳۰ کورسی ژوند
- ۸:۰۰ اخبار پشکو
- ۸:۰۰ از خواب تا واقعیت
- ۹:۳۰ منبای جوانان
- ۹:۰۰ اخبار دری
- ۹:۰۰ افغانستان امروز
- ۹:۳۰ نیش و نوش
- ۱۰:۰۰ اخبار پشکو
- ۱۰:۰۰ رادیو صدای مردم
- ۱۱:۰۰ اخبار دری
- ۱۱:۰۰ نطقه از ایشلیک
- ۱۲:۰۰ اخبار پشکو
- ۱۲:۰۰ سرود به درجه نایب و ترخ استر
- ۱۲:۳۰ آذان نماز پیشین و انوار الهی
- ۱:۰۰ اخبار دری
- ۱:۰۰ موسیقی غزل
- ۱:۳۰ برنامه های صدای هموطن
- ۲:۰۰ اخبار پشکو
- ۲:۰۰ اعلانات
- ۲:۳۰ سپیدی خبری
- ۳:۰۰ اخبار دری
- ۳:۰۰ زرهت و ستغاری
- ۳:۳۰ برنامه مردان خدا
- ۴:۳۰ سده میلادت
- ۶:۰۰ ماهنامه مویه خیر افغانستان
- ۷:۰۰ اخبار پشکو و تبصره
- ۷:۳۰ زیر آسمان کبود
- ۸:۰۰ اخبار دری و تبصره
- ۸:۳۰ ما و جهان ما
- ۹:۰۰ پنداران صلح و امنیت
- ۹:۳۰ داستانهای دنباله دار
- ۱۰:۰۰ اخبار پشکو
- ۱۰:۰۰ موسیقی کلاسیک
- ۱۱:۰۰ بزم غزل
- ۱۱:۵۵ دعوتیه
- ۱۲:۰۰ سرود ملی و حکم نشرات

## یکشنبه

- ۴۵۸ اثرم رادیوسرود ملی و معرفی نشرات رادیو
- ۵ تلاوت و ترجمه کلام الله مجید
- ۵:۳۲ سعرت النبی (ص) خیره‌نگ
- ۶:۰۰ نیروی ملغری
- ۶:۰۰ پیام صبگهان
- ۶:۳۰ صبح بخیر افغانستان
- ۷:۳۰ کورسی ژوند
- ۸:۰۰ اخبار پشکو
- ۸:۰۰ از خواب تا واقعیت
- ۹:۳۰ قصه‌های شیرین
- ۹:۰۰ اخبار دری
- ۹:۰۰ مشتریان جرگی غم
- ۹:۳۰ یک طرز دو هنر مند
- ۱۰:۰۰ اخبار پشکو
- ۱۰:۰۰ رادیو صدای مردم
- ۱۱:۰۰ اخبار دری
- ۱۱:۰۰ کسرت هنرندان داخلی و خارجی
- ۱۲:۰۰ اخبار پشکو
- ۱۲:۰۰ سرود به درجه نایب و ترخ استر
- ۱۲:۳۰ آذان نماز پیشین و انوار الهی
- ۱:۰۰ اخبار دری
- ۱:۰۰ موسیقی
- ۱:۳۰ برنامه های صدای هموطن
- ۲:۰۰ اخبار پشکو
- ۲:۰۰ اعلانات
- ۲:۳۰ لوی شی جین پدو شی
- ۳:۰۰ اخبار دری
- ۳:۰۰ ژانسه هفته
- ۳:۰۰ ماهنامه مویه خیر افغانستان
- ۳:۰۰ اخبار پشکو و تبصره
- ۳:۳۰ ما و محیط زیست ما
- ۴:۰۰ اخبار دری و تبصره
- ۴:۳۰ ما و کشور ما - مسامرحان (۷۸:۳۰)
- ۹:۰۰ ما و صنعت ما
- ۹:۳۰ داستانهای دنباله دار
- ۱۰:۰۰ اخبار پشکو
- ۱۰:۰۰ گلچینه سفن
- ۱۱:۰۰ بزم غزل
- ۱۱:۵۵ دعوتیه
- ۱۲:۰۰ سرود ملی و پایان نشرات

## دوشنبه

- ۴۵۸ اثرم رادیوسرود ملی و معرفی نشرات رادیو
- ۵ تلاوت و ترجمه کلام الله مجید
- ۵:۳۲ نیروی ملغری
- ۶:۰۰ پیام صبگهان
- ۶:۳۰ صبح بخیر افغانستان
- ۷:۳۰ کورسی ژوند
- ۸:۰۰ اخبار پشکو
- ۸:۰۰ از خواب تا واقعیت
- ۸:۳۰ سیمای شاهر در ایله شعر
- ۹:۰۰ اخبار دری
- ۹:۳۰ اسلام و نظام عشقواوه
- ۱۰:۰۰ اخبار پشکو
- ۱۰:۰۰ نشست هفته
- ۱۱:۰۰ اخبار دری
- ۱۱:۰۰ اهنگهای فراموشی
- ۱۲:۰۰ اخبار پشکو
- ۱۲:۳۰ آموزش قرآن کریم
- ۱۲:۳۰ آذان نماز پیشین و انوار الهی
- ۱:۰۰ اخبار دری
- ۱:۰۰ موسیقی آماتور
- ۱:۳۰ برنامه های صدای هموطن
- ۲:۰۰ اخبار پشکو
- ۲:۰۰ اعلانات
- ۲:۳۰ تانن بزرگبست
- ۳:۰۰ اخبار دری
- ۳:۰۰ دننیهی اطفال
- ۳:۳۰ اردوی ملی
- ۴:۰۰ ماهنامه مویه خیر افغانستان
- ۴:۰۰ اخبار پشکو و تبصره
- ۴:۳۰ گزارشها و گفتگو ها
- ۵:۰۰ اخبار دری و تبصره
- ۵:۳۰ دروازه ترشا
- ۶:۰۰ پرنیان
- ۶:۳۰ داستانهای دنباله دار
- ۱۰:۰۰ اخبار پشکو
- ۱۰:۰۰ ستاره های از کهنستان موسیقی
- ۱۱:۰۰ سیمای شاهر در ایله شعر
- ۱۱:۵۵ دعوتیه
- ۱۲:۰۰ سرود ملی و حکم نشرات

## سه شنبه

- ۴۵۸ اثرم رادیوسرود ملی و معرفی نشرات رادیو
- ۵ تلاوت و ترجمه کلام الله مجید
- ۵:۳۲ درسهای از حدیث شریف
- ۶:۰۰ پیام صبگهان
- ۶:۳۰ صبح بخیر افغانستان
- ۷:۳۰ کورسی ژوند
- ۸:۰۰ اخبار پشکو
- ۸:۰۰ از خواب تا واقعیت
- ۸:۳۰ رنگ مغنیه
- ۹:۰۰ اخبار دری
- ۹:۰۰ مسئولین و رادیو افغانستان
- ۹:۳۰ از ایشلیک نشراتی رادیو
- ۱۰:۰۰ اخبار پشکو
- ۱۰:۰۰ در ایله هنر
- ۱۱:۰۰ اخبار دری
- ۱۱:۰۰ حرف جوانان اهلک لغوش
- ۱۲:۰۰ اخبار پشکو
- ۱۲:۰۰ سرود به درجه نایب و ترخ استر
- ۱۲:۳۰ آذان نماز پیشین و انوار الهی
- ۱:۰۰ اخبار دری
- ۱:۰۰ موسیقی غزل
- ۱:۳۰ برنامه های صدای هموطن
- ۲:۰۰ اخبار پشکو
- ۲:۰۰ اعلانات
- ۲:۳۰ دانش بزرگبست
- ۳:۰۰ اخبار دری
- ۳:۰۰ جوانه ها
- ۳:۳۰ زراعت و مالداری
- ۴:۰۰ ماهنامه مویه خیر افغانستان
- ۴:۰۰ اخبار پشکو و تبصره
- ۴:۳۰ آهنگهای محلی
- ۵:۰۰ اخبار دری و تبصره
- ۵:۳۰ ماشوننده گان
- ۶:۰۰ مدهای گراندها
- ۶:۳۰ آهنگهای انشعایی
- ۱۰:۰۰ اخبار پشکو
- ۱۰:۰۰ زمزمه های شهبانگام
- ۱۱:۰۰ جلوه گاه نوبی
- ۱۱:۵۵ دعوتیه
- ۱۲:۰۰ سرود ملی و حکم نشرات

# رادیو افغانانستان

## چهارشنبه

۴:۵۸	پروگرام رادیو - سرود ملی و معرفی نشریات
۵:۰۲	تلاوت کلام الله مجید
۵:۳۲	سیرت النبی (ص) خپرونه
۵:۳۲	نوی منغلزی
۶:۰۰	پیام صیگهانان
۶:۳۰	صبح بخیر افغانستان
۶:۳۰	خوښی (ویند)
۸:۰۰	اخبار پښتو
۸:۰۵	لږخواب نا واقعیت
۸:۳۰	میراثهای گراتنها
۹:۰۰	اخبار دري
۹:۰۵	پسوي پژ سازي
۹:۳۰	هنرمندان و فرهنگ پاپونه
۱۰:۰۰	اخبار پښتو
۱۰:۰۵	رادیو صدای مردم
۱۱:۰۰	اخبار دري
۱۱:۰۵	نثرانه ها و سخنها
۱۲:۰۰	اخبار پښتو
۱۲:۰۵	سرودي به روزنامه و نثر اسحق
۱۲:۳۰	اذان نماز پښتون و نغمه النبی
۱:۰۰	اخبار دري
۱:۰۵	موسیقی - رنگا رنگ
۱:۳۰	برنامه های صدای هموطن
۲:۰۰	اخبار پښتو
۲:۰۵	اعلانات
۳:۳۰	دانش بزرگپست
۴:۰۰	اخبار دري
۴:۰۵	صحبت برای همه
۴:۳۰	پولیس خدمتکار جامعه
۴:۰۰	مانیام مویه خیر افغانستان
۷:۰۰	اخبار پښتو و تبصره
۷:۳۰	مر گذرگاه اندیشه
۸:۰۰	اخبار دري و تبصره
۸:۳۰	جامعه و فکانون
۹:۰۰	صفحه از تاریخ
۹:۳۰	در امتداد شب
۱۰:۰۰	اخبار پښتو
۱۰:۰۵	آهنگهای فکتوریک
۱۱:۰۰	از هر چمن سمنی
۱۱:۵۵	دعایه
۱۲:۰۰	سرود ملی و ختم نشریات

## پنج شنبه

۴:۵۸	پروگرام رادیو - سرود ملی و معرفی نشریات
۵:۰۲	تلاوت و ترجمه کلام الله مجید
۵:۳۲	سیرت النبی (ص) خپرونه
۵:۳۲	تفسیر شریف
۶:۰۰	پیام صیگهانان
۶:۳۰	صبح بخیر افغانستان
۷:۳۰	خوښی ژوند
۸:۰۰	اخبار پښتو
۸:۰۵	لږخواب نا واقعیت
۸:۳۰	پیام سرباز
۹:۰۰	اخبار دري
۹:۰۵	صفحه از تاریخ
۹:۳۰	گزیده های از نشریات رادیو
۱۰:۰۰	اخبار پښتو
۱۰:۰۵	رادیو صدای مردم
۱۱:۰۰	اخبار دري
۱۱:۰۵	کاروان حله
۱۲:۰۰	اخبار پښتو
۱۲:۰۵	پاسخ به مسئولین دین
۱۲:۳۰	اذان نماز ظهر و اتوار النبی
۱:۰۰	اخبار دري
۱:۰۵	از آرشیف نشریات رادیو
۱:۳۰	برنامه های صدای هموطن
۲:۰۰	اخبار پښتو
۲:۰۵	اعلانات
۳:۳۰	دانش بزرگپست
۴:۰۰	اخبار دري
۴:۰۵	وزن و وزن
۴:۰۰	ژن و جامعه
۵:۳۵	اصلاحات اداری
۶:۰۰	مانیام مویه خیر افغانستان
۷:۰۰	اخبار پښتو و تبصره
۷:۳۰	جام جم
۸:۰۰	اخبار دري و تبصره
۸:۳۰	وحدت ملی
۹:۰۰	انصار - نواد بخیر
۹:۳۰	رادیو درام
۱۰:۰۰	اخبار پښتو
۱۰:۰۵	زمره های شبنگام
۱۱:۰۰	موسیقی
۱۱:۵۵	دعایه
۱۲:۰۰	سرود ملی و ختم نشریات

## جمعه

۴:۵۸	پروگرام رادیو - سرود ملی و معرفی نشریات
۵:۰۲	تلاوت و ترجمه کلام الله مجید
۶:۰۲	سیرت النبی (ص) خپرونه
۶:۳۰	پیام صیگهانان
۷:۳۰	صبح بخیر افغانستان
۸:۳۰	میرزا کلم
۹:۰۰	اخبار پښتو
۹:۰۵	دنیای کتاب - مشتقداران سفین (مشتاوب)
۹:۳۰	انینه انینه (دجمنی دلی مشتاوب)
۱۰:۰۰	رانپوښی مجله
۱۱:۰۰	اخبار دري
۱۱:۰۵	از هر چمن سمنی
۱۲:۰۰	اخبار پښتو
۱۲:۰۵	پسوي نور و اذان نماز ظهر
۱۲:۳۵	صدای شیر
۱:۰۰	موسیقی فوالتی
۱:۳۰	برنامه های صدای هموطن
۲:۰۰	اخبار پښتو
۲:۰۵	اعلانات
۳:۳۰	سپه‌نی خبری
۴:۰۰	اخبار دري
۴:۰۵	دیری مجلس
۵:۳۰	برنامه اطفال
۶:۰۰	مانیام مویه خیر افغانستان
۷:۰۰	اخبار پښتو و تبصره
۷:۳۰	صدای معارف
۸:۰۰	اخبار دري و تبصره
۸:۳۰	موسیقی
۹:۰۰	افغانستان و جهان
۹:۳۰	موسیقی
۱۰:۰۰	اخبار پښتو
۱۰:۰۵	زمره های شبنگام
۱۱:۰۰	رادیوئی مجله
۱۱:۵۵	دعایه
۱۲:۰۰	سرود ملی و ختم نشریات



## د غږ سنگتراش

د الهی عشق لورو ته رسېدل، د هر روح برخليک جوړوي.  
مور ددې لپاره ځمکنی شو؛ چې ورک آسمانونه بیا ولتوو.  
مور یوازې شو، چې د عشق په غږونو او رنګانو د خدای او هستی خدمت وکړو.  
مور ارواوي یو.

ارواوي الهی سپرغی دي.  
روح د غږ په پښو او د رڼا په سترګو ځان ویني، د ذهن او حواسو تیارې او ژورې پیژني او خپل اصیل وجود  
او اوس د کلام موسم دی.  
کلام د هستی اساسي جوهر دی.

ارواح د کلام په الماسو خپل آسماني ښار جوړوي.  
او د غږ او کلام سنگتراش ته بیا شاعر وايي.  
شاعر د کلام له غږونو نه د فرهاد د اوبو چپنه راباسي.  
او دا ټول د عشق برکت دی؛ نو دادی جوړه شوه؛  
کوم شاعر چې د خدای له زماني وم؛ وزېږېدم!  
شاعرانه زوکړه د هر سنگتراش فرهاد د زړه ودانی ده، چې تاسو ته یې ورونه پراښوي.  
دلته د مینې ساه چلیږي، او مینه ده چې هستی ته ساه ورکوي؛  
راځی د خیال په وزرو د رڼا د برجونو او د غږ د رودونو په لور شعروال ور والوزو!

\*\*\*

## مینه‌گر رودونه

غږ د کلام ټاټوبی دی او رڼا د غږ همزولی ابدی جریان!  
ژوند او ژوندي د غږ او رڼا د ستر سمندر څپې او موجونه دي چې د هستی په زړه زړه کې لاره وهي.  
شیان او څېرې، نومونه او دريځونه ټول د غږ او رڼا مرجانونه، لعلونه، صدفونه او الماسونه دي چې ارواو اغوستي.  
مور د غږ او رڼا پر اوږو خپل لوی سفر پیل کړی او بېرته د هسک لوړو ته خپږو.  
غږ او رڼا د خدای دي.

غږ او رڼا د لوی متعال مینه‌گر رودونه دي. او مور د غږ او رڼا د رودونو او سیندونو لامبوزن؛

کور ورکي کبان!

هو، هستي «زړه» «ته» «هغه» دومره شاعرانه شول!

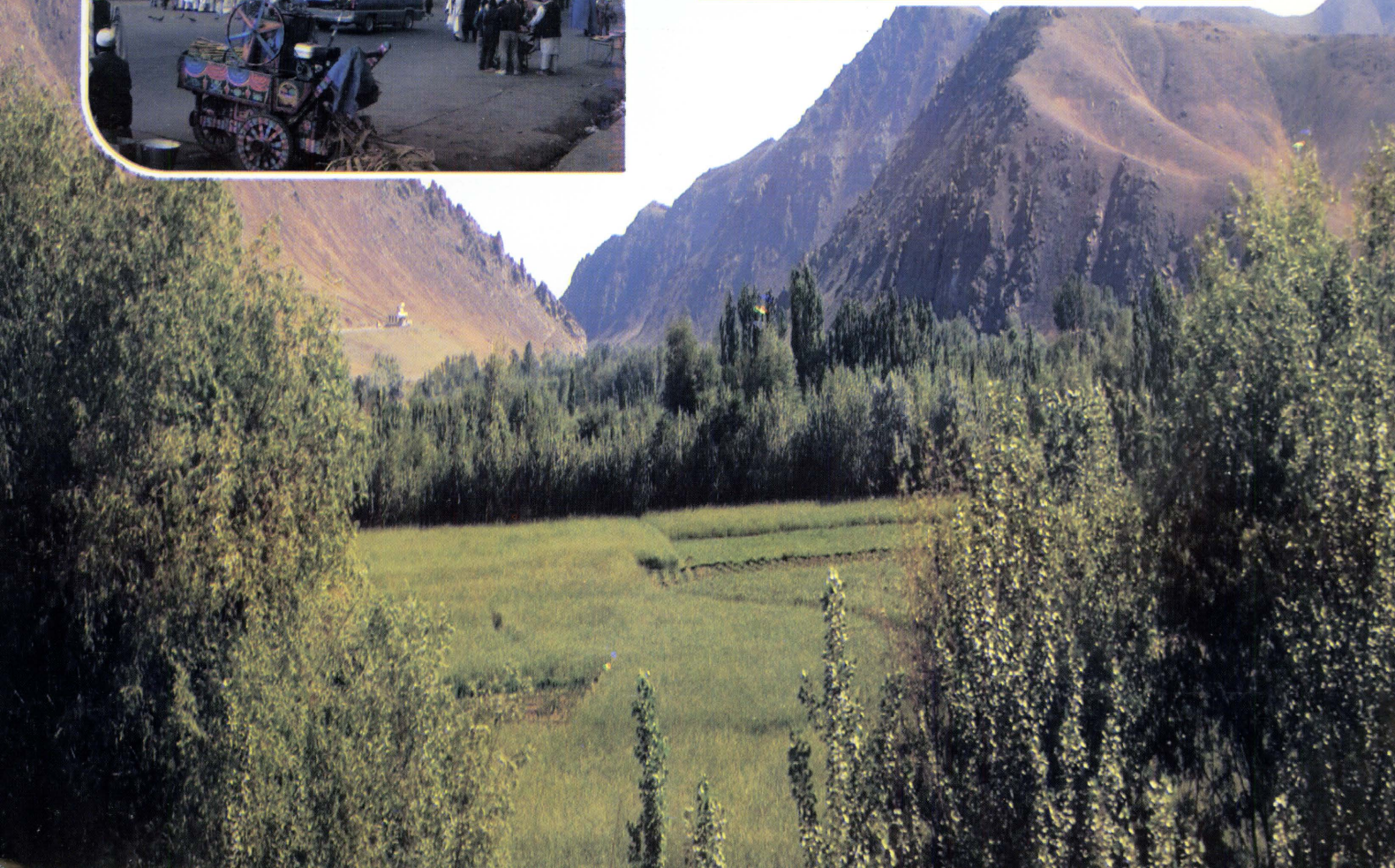
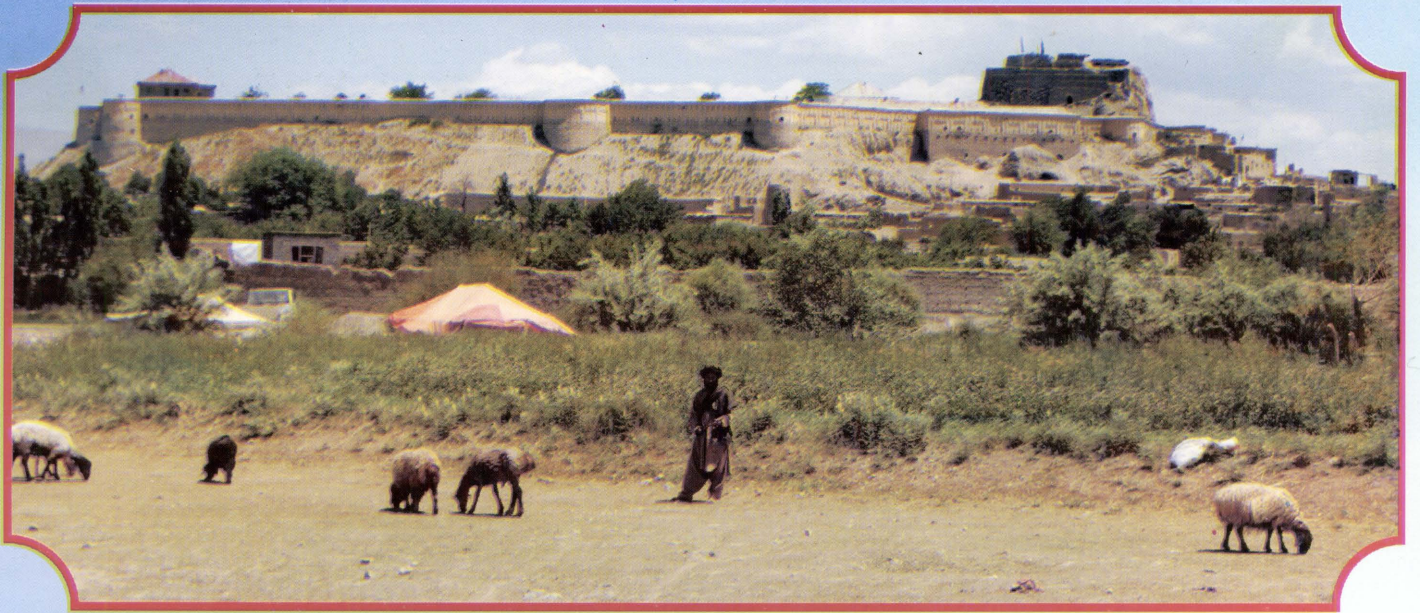
د غږ او رڼا، له غږ او رڼا ډکو ستورمزلو!

غږ ستاسو لپاره دی. رڼا ستاسو لپاره ده. بل څه نشته؛

هرڅه د غږ او رڼا راز راز کالبوتونه، کورونه، مانی او غرونه دي چې ذهن یې د سیاینس او مادي پر ژبه کاره واړه  
راژباري.

نور بیا...





ACKU

Juluo

HE

8700.9

الف 77

29 T n2



ولی تلاش

هنرپیشه موفق

چاپ: مطابع آزادی